

بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی(ع) در نهج البلاغه*

: دکتر اکبر رهنما*¹، دکتر مهدی سبحانی نژاد¹ و حمید علین²

1. استادیار دانشگاه شاهد

2. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

*E-mail: Rahnama-Akbar43@yahoo.com

چکیده

در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از تحلیل محتوا، مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی(ع) مورد بررسی قرار گرفته است.

1. مبانی تربیت از منظر امام علی (ع) شامل نه مبنا به این شرح است: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تاثیر محیط، اندیشه ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان می‌باشد. 2. درمبنای عبودیت و بندگی خداوند متعال، اصول پنج گانه تربیتی شامل خدا محوری، توکل بر خدا، اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ، محوریت دین در همه امور زندگانی از جمله سیاست (جدائی ناپذیری دین از سیاست) و حاکمیت اخلاق است. 3. در مبنای توازن، اصول سه گانه تربیتی شامل عدالت، محوریت قانون، و شایسته سالاری است. 4. درمبنای مدنیت، اصول سه گانه تربیتی شامل مردم سالاری، سامان بخشی وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و توازن است. 5. درمبنای تاثیر محیط، اصول دو گانه تربیتی شامل، اصلاح شرایط و ایجاد زمینه است. 6. در مبنای اندیشه‌ورزی، اصول دوگانه تربیت شامل تعقل و تفکر و کسب بینش است. 7. مبنای کرامت شامل اصل عزت است. 8. مبنای آزادی و اختیار شامل اصل تشبیه به ابرار است. 9. مبنای ضعف شامل اصل تساهل است. 10. مبنای جاذبه احسان شامل اصل فضل است. 11. نه مبنا و 22 اصل ذکر شده مجموعاً 79 روش تربیتی استخراج شده دارند.

کلید واژه‌ها: امام علی (ع)، نهج البلاغه، تربیت سیاسی، مبانی تربیت، اصول تربیت، روش‌های تربیت

* این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد حمید علین با عنوان تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام با راهنمایی دکتر اکبر رهنما در دانشگاه شاهد تهران است

دانشور

رفتار

• دریافت مقاله: 85/10/15

• ارسال به داوران:

85/12/5 (1)

85/12/5 (2)

85/12/5 (3)

• دریافت نظر داوران:

85/1/19 (1)

85/1/19 (2)

86/2/2 (3)

• ارسال برای اصلاحات:

86/2/19 (1)

86/4/30 (2)

• دریافت اصلاحات:

86/2/31 (1)

86/5/12 (2)

• ارسال به داور نهایی:

86/3/1 (1)

86/5/17 (2)

• دریافت نظر داور نهایی:

86/4/24 (1)

86/9/18 (2)

• پذیرش مقاله: 86/9/18

Scientific-Research
Journal of
Shahed University
Fifteen Year
No. 30
2008

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال پانزدهم - دوره جدید

شماره 30

شهریور 1387

مقدمه

سیاست و تدبیر جامعه چون از مهم‌ترین مسائل حیاتی انسان است، همواره سرلوحه اندیشه و برنامه‌پیامبران، امامان، صالحان و اندیشمندان جامعه بوده است. نیاز به دستگاه حکومتی و نظم اجتماعی در همه دوران‌های تاریخ باعث شده است که هیچ‌گاه جوامع فاقد نهاد حکومت و دستگاه رهبری و مدیریت سیاسی و اجتماعی نباشند. والته یکی از عواملی که می‌تواند از استمرار حاکمیت سیاسی به نحو مطلوب پشتیبانی و حمایت کند، نظام تعلیم و تربیت است که با دارا بودن دست‌آوردهای عمده برای نظام‌های سیاسی در اموری هم‌چون جامعه‌پذیری سیاسی، آشناسازی نسل نوبا فرهنگ سیاسی حاکم، ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه، ایجاد زمینه برای تشکیل نهادها و مؤسسات سیاسی، تربیت هواداران سیاسی و همچنین به منزله وسیله تربیت سیاسی برای اعمال پنهان قدرت و کنترل اجتماعی و فکری جامعه، نمی‌تواند از نگاه و منظر حاکمان به دور باشد. اهمیت این مسئله باعث شده است که امروزه تعلیم و تربیت اساساً وظیفه‌ای اجتماعی تلقی شود و مستلزم توجه جدی حکومتها و البته تا حد بسیار زیادی تابع سیاست‌های آنان باشد.

تربیت سیاسی به معنای «فرآیند مستمر یادگیری که به وسیله آن افراد با نظام سیاسی، و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شوند و با هدف شکل دادن به افکار، نگرش‌ها و رفتارهای افراد در قالب‌های سیاسی - اجتماعی مورد نظر تا بتوانند ارزش‌های نظام سیاسی را جذب و خود را با آنها منطبق سازند [1]»، از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت است که متفکران و اندیشمندان علوم اجتماعی در باره آن دیدگاه‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند و از مشهورترین آنها می‌توان به نظریه محافظه‌کاری (Conservative Approach) در تربیت سیاسی، نظریه انتقادی (Critical Theory) در تربیت سیاسی، نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی و دیدگاه

پست مدرنیسم (Postmodernism) در تربیت سیاسی اشاره کرد.

نظریه محافظه‌کاری در تربیت سیاسی، به طور کلی «مدافع وضع موجود» است و سعی می‌کند با رام کردن زمان حال، آینده‌ای رام شده را نیز پدید آورد [2]. از این دیدگاه، تعلیم و تربیت در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نقش عمده‌ای در کنترل اجتماعی و حفظ وضع سیاسی موجود ایفا می‌کند [3 و 4]. از محققانی که بر فرآیند «کنترل اجتماعی» (Social Control) با بهره‌گیری از آموزش و پرورش تأکید می‌ورزند، دور کیم و پارسونز (Parsons) هستند [5 و 6]. از نظر پارسونز در درون نظام سیاسی، ارزشها و هنجارها اساس اطاعت سیاسی را تشکیل می‌دهند [7] سیلبرمن (Silberman) نیز بیان می‌دارد که مهم‌ترین دغدغه آموزش و پرورش باید ایجاد نظم و کنترل اجتماعی باشد [8]. همچنین نقش محافظه کارانه مدارس مورد تأیید گودمن (Goodman) است [9]. هریس (Harris) هم نقش آموزش و پرورش را عامل «کنترل اجتماعی» در نظر می‌گیرد که سعی دارد تا حد زیادی با القای دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی به دانش‌آموزان، آنان را به عنوان شهروند آینده، آماده سازد [10].

از جمله دیدگاه‌های مهمی که از کارکرد محافظه کارانه در تعلیم و تربیت حمایت می‌کنند می‌توان به دیدگاه‌های «انتقال فرهنگی» (Cultural Transmission)، «کارکرد گرایشی» (Functionalism) و «نظریه انطباق» (Correspondence Theory) اشاره کرد [11 و 12]. اجمالاً باید گفت که رویکرد محافظه‌کاری دارای دیدگاهی بیشتر جامعه‌شناختی است و نگرش انفعالی و جامعه‌پذیرانه به موضوع تربیت سیاسی دارد و بر مبنای این دیدگاه، نظام تربیتی بی طرف وجود ندارد، بلکه نهاد‌های تربیت باید عموماً برای حفظ وضع موجود تلاش کنند. معتقدان به دیدگاه نظریه انتقادی در تربیت سیاسی، دستگاه تعلیم و تربیت را وسیله‌ای برای مهار فرهنگی و سیاسی نسل نو تلقی می‌کنند و معتقدند که باید از

بررسی نظریه های تربیت سیاسی مطرح شده نشان می دهد که با این نظریه ها وجود اختلاف های ظاهری در اهداف، وسایل، محیط، شرایط تاریخی و سیاسی و اجتماعی، همگی تقریباً غایت مشترکی دارند و آن «تربیت شهروندشایسته» است. هر چند که شهروند شایسته از منظر آنان تفاوت های جدی با یکدیگر دارد. امداد حوزه نگرش دینی که حکومت را وسیله ای مقدس برای رسیدن به اهداف و مقاصد عالی و تأمین مصالح و نیازمندی های مادی و معنوی می داند، حکومت و سیاست و هر آنچه تابع و همسو با آن قرار است، چیزی جز وسیله ای برای رسیدن به «کمال» نیست و طبعاً همه اهداف حکومت، حتی اهداف به ظاهر مادی و دنیوی نیز در اسلام، در خدمت این غایت والا قرار می گیرد. اسلام دارای هدف و افق دید بسیار وسیعی چون آماده ساختن و تربیت کردن «انسان صالح» برای قرب الهی است و بی تردید این غایت محدود به مکان، زمان، اجتماع، گروه و دسته خاصی نیست. تفاوت نظریه تربیتی اسلام با نظریه های فوق نیز در همین غایت تربیت است و به این دلیل برای تدوین مبانی، اصول و روش های تربیت اسلامی نمی توان از این نظریه ها طرفی بست.

امام علی علیه السلام به عنوان یک حاکم اسلامی و انسانی کامل که پرورش یافته مکتب وحی است، در حکومت به دنبال تحقق اهداف والایی چون، اقامه حق و عدل (نهج البلاغه) (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات امیر المومنین، قم، 1381)، خطبه (129)، باز گرداندن نشانه های فراموش شده و احکام تعطیل شده دین، اصلاح شهرها، امان یافتن مظلومان و محرومان (همان، خطبه 205)، عمل بر طبق کتاب خدا و سیره پیامبر (همان، خطبه 233)، دفع باطل و گرفتن حقوق محرومان (همان، نامه 45) است، و در کنار آن، قانون مداری در حکومت آن حضرت، مردم گرایی در سیره سیاسی ایشان، تقدم ارزش ها بر اصل حکومت، صراحت در گفتار و رفتار و دوری از فریب و خدعه و عدالت محوری برای تحقق اهداف الهی در زمین، دوران پنج

قفس آهین آن فراتر رفت [13]. این جهت گیری که مدافع نوعی تربیت آگاهانه و انقلابی است، اساساً ریشه در اندیشه های مارکسیسم دارد [14] که هدف های تربیت سیاسی آن، تربیت افراد به شکلی «انتقادی» (Critical)، «خودآگاه» (self-Conscious) و دارای «فعالیت رهایی بخش» (emancipating Activity) است [15].

در نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی، آموزش و پرورش علاوه بر این که نوعی جهت گیری محافظه کارانه دارد، در عین حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز هست. دیوئی از حامیان اصلی این نظریه است [16]. رایبنا نیز معتقد است که پیشرفت و دموکراسی به هم متکی هستند و تربیت، هم آن ها را مورد حمایت قرار می دهد و هم کارکردهای پیشرفت و توسعه دموکراسی را به ارزشهای انسانی پیوند می زند [17]. مبنای این نظریه، شهروند در یک نظام دموکراسی باید از سطح آگاهی بالایی درباره سیاست و طرز کار آن برخوردار باشد، بتواند به نقد واقعیت های سیاسی بپردازد، بر تصمیمات حکومت تأثیر بگذارد، به موسسات و قوانین حکومتی اطمینان عمیق داشته باشد، به بنیان و اساس حکومت دموکراتیک، و نه لزوماً صاحبان موقعیت ها و مقام های سیاسی، وفادار باشد و نقش فعالی در مسائل سیاسی جامعه بازی کند [18].

تعلیم و تربیت از دیدگاه پست مدرن، علاوه بر آن که بر افق های وسیع تر معرفتی و انسان شناختی، جهان شناختی و جامعه شناختی تأکید می کند، مایه های انتقادی و دموکراتیک نیز دارد [19]. انتقاد همه جانبه پست مدرن از دوران مدرنیته و همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن بیانگر مایه های انتقادی این نظریه است. تأکید بر عدالت، آزاد سازی، احساس همدردی به نظریه انتقادی شباهت دارد و تکیه بر تکثر گرایی فرهنگی، برابری، رشد و تحول و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص نیز از مایه های دموکراتیک آن است [11].

پرورش کشورمان، برنامه‌ای درسی در این مورد تدوین کرده است [1]. محمدی در پژوهش خود با معرفی مبانی تربیت اجتماعی، به تبیین جایگاه تربیت اجتماعی در نهج البلاغه پرداخته است [21]. رهنما در مقاله خود معتقد است که ایمان به خدا، مبارزه بانفس، عدالت ورزی و فقرستیزی؛ امانت‌داری در مدیریت، سعه صدر و الگو بودن رهبر و مدیر جامعه اسلامی، از خطوط کلی تربیت سیاسی و اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام است [22]. رحمانی درباره نکات مؤثر در پرورش نیروی انسانی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام به مواردی از قبیل: برخورد منصفانه با کارمند، توجه به وضعیت معیشتی کارکنان، توانایی انسجام‌دهی و حفظ گروه و نظایر این‌ها اشاره کرده است و آنها را در پرورش نیروی انسانی مؤثر می‌داند [23]. احسانی به هدف تربیت سیاسی در مکاتب مختلف اشاره کرده است و به حدود و ثغور تربیت سیاسی می‌پردازد، آن‌گاه عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی را برشمرده و در آخر نگاهی به روش‌های تربیت سیاسی با تأکید بر نظر امام علی علیه‌السلام دارد [24]. عثمان، در مقاله خود در خصوص اصول تربیت سیاسی در تفکر اسلامی، مواردی را برشمرده است [25].

به نظر ما، چون از صدر اسلام تاکنون تنها حکومت پیامبر اکرم صلی‌الله و علیه و آله و امام علی علیه‌السلام واجد تمامی شرایط به کمال رساندن جامعه اسلامی بوده‌اند و مبانی نظری لازم برای تربیت سیاسی آحاد جامعه را نیز باید در تعلیمات سیاسی این بزرگواران درباره مردم و کارگزاران جستجو کرد و نیز از آن‌جا که حکومت امام علی علیه‌السلام از نظر وسعت و داشتن کارگزاران متعدد، بیش‌تر شبیه حکومت‌های فعلی جهان معاصر است، نظام اسلامی می‌تواند و باید، با الگوگرفتن از حکومت علوی زمینه و شرایط لازم را برای تربیت سیاسی شهروندان خود فراهم کند. با در نظر داشتن تفاوت میان مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام با آنچه در نظریه‌های تربیت سیاسی مکاتب دیگر مطرح است، برای درک و تبیین تربیت سیاسی

ساله حکومت ایشان را نمونه بی‌نظیری از حکومت برای هدایت مردم به سوی کمال در همیشه تاریخ تبدیل کرده است. تحقق اهداف چنین حکومتی بی‌گمان جز با انتخاب افرادی لایق و شایسته به عنوان کارگزار، و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان و آموزش مردم به عنوان بزرگ‌ترین حامیان حکومت امکان‌پذیر نیست. امام علی علیه‌السلام به این امر مهم توجه داشتند و افرادی را تربیت کردند که جز به رضای خدا و خدمت به خلق به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند، از جمله افرادی چون مالک اشتر و محمدبن ابی‌بکر [20].

امام علی علیه‌السلام قبل از آن‌که یک حاکم باشد، یک پیشوای دینی و امام معصوم است که در مکتب وحی پرورش یافته است. حکومت ایشان حکومتی دینی، منطبق بر اهداف و آرمان‌های الهی برای بشر است. هدف همه آرمان‌های این حکومت نیز نیل جامعه و افراد آن به کمال است. لذا بسیار بدیهی است که سازوکارهای تربیتی مورد استفاده آن برای تربیت شهروندان و کارگزاران، با آنچه در نظریه‌ها و مکاتب تربیتی وابسته به افکار بشری مطرح می‌شود و هدف آن «تربیت شهروند شایسته» است، منطبق نباشد، اگرچه گاه بعضی از اهداف، مبانی، اصول و روش‌های به‌کار گرفته شده در این مکاتب، نسخه بدل یا لااقل شبیه همان‌هایی است که در حکومت علوی مورد استفاده قرار گرفته است (شایان ذکر است، که عمر باقدمت‌ترین این نظریه‌ها به زحمت به 400 سال می‌رسد. در حالیکه حکومت علوی، بیش از 1360 سال پیش، به تربیت کارگزاران و شهروندان صالح توجه داشته و عمل کرده است).

بنابه دلایل مختلفی که ذکر آن در این مقاله نمی‌گنجد، در زمینه تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی، در داخل کشور پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است که همان‌ها نیز به بحث در خصوص روش‌ها محدود می‌شوند، از جمله مزروقی به بررسی تربیت سیاسی از دیدگاه‌های مختلف و همچنین تبیین تربیت سیاسی در اسلام (مکتب تشیع)، نقش و جایگاه تربیت سیاسی در نظام رسمی آموزش و پرورش پرداخته و با تکیه بر لزوم جدی گرفتن این موضوع و جای خالی آن در آموزش و

ابزار گردآوری داده‌ها

از فرم واریسی باز و بدون پیش سازمان یافتگی استفاده شد که در آن، شش مکان برای ثبت آدرس، متن عربی، متن فارسی، مبانی، اصول و روشها تعبیه شده بود. واحد تحلیل محتوی مجموعه جملات، عبارات و مضامین موجود در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه بوده است. روایی ابزار را صاحب‌نظران انجام داده‌اند و پایایی آن با محاسبه ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل اولیه با تحلیلی که متخصصین دیگر انجام داده‌اند، به دست آمد که نتیجه آن برابر با 0/76 بوده است.

شیوه اجراء و مراحل انجام پژوهش (در تدوین مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در این پژوهش از شیوه‌ای که آقای دکتر خسرو باقری در کتاب «نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی» مطرح کرده‌اند نیز استفاده شده است)

با استفاده از فرم واریسی به تحلیل محتوی جملات، عبارات و مضامین مربوط به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در **نهج‌البلاغه** (نهج‌البلاغه مورد استفاده در این پژوهش، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه‌السلام در سال 1382 در شهر قم بوده است). پرداخته شد. بر این اساس، پس از مشاهده جملات، عبارات و مضامین همسو با هر یک از سه زمینه مذکور، موارد فوق به تفکیک و با توجه به شش مورد گفته شده در ابزار پژوهش درج شد.

روش تحلیل داده‌ها

در تحلیل، داده‌های حاصل از ابزار پژوهش به تفکیک در سه زمینه مذکور طبقه‌بندی و در جداول مرتبط منعکس شد؛ هر یک از جداول نیز به صورت کیفی شرح داده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

اسلام، آن‌هم از منظر امام علی علیه‌السلام، نمی‌توان از نظریه‌های تربیت سیاسی که اندیشمندان غربی مطرح کرده‌اند، چندان بهره‌ای برد. لذا برای تبیین تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام، سؤال‌های پژوهشی به صورت زیر تدوین و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

1. مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام چیست؟

2. هر یک از مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام شامل چه اصولی (به قانون‌مندی‌های مربوط به موجودات (انسان) گفته می‌شود که در آن سازوکارهای تغییر و تغیر مورد توجه قرار می‌گیرد و قواعد و دستورالعمل‌های ایجاد یا کنترل تغییر برگرفته از همین سازوکارهاست. مبانی در علوم تربیتی به صورت قضیه‌های حاوی «هست» بیان می‌شود [26] است؟

3. از منظر امام علی علیه‌السلام هر یک از اصول مطرح شده در تربیت سیاسی شامل چه روش‌هایی (دستورالعمل‌هایی هستند که به ما می‌گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم [26]. درباره رابطه مبانی و اصول باید توجه کرد که، اصول به مبانی تکیه دارند و روش‌ها نیز بر اصول مبتنی‌اند. البته اصول و روش‌ها از یک سنخ‌اند، زیرا هر دو دستورالعمل هستند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم، اما تفاوت آنها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی‌اند و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر). است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل محتواست و طی آن، مفاد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل، متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه بوده است. در این پژوهش به دلیل لزوم جامعیت نمونه، نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

بررسی سؤال اول پژوهش

مبانی تربیت از منظر امام علی علیه‌السلام چیست؟

بنابر نتایج تحلیل‌های انجام شده در خصوص مبانی تربیت از منظر امام علی علیه‌السلام و طبقه‌بندی آن‌ها در جداول شماره یک تا نه پژوهش، نه مبنای تربیت از منظر امام علی علیه‌السلام شناسایی شد که عبارت‌اند از: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تأثیر محیط، اندیشه‌ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان (جداول شماره یک تا نه در شرح سؤال‌های دوم و سوم پژوهش). (از آن‌جا که بین یافته‌های مرتبط با سه سؤال پژوهش پیوستگی وجود دارد و ذکر مبانی آن‌ها در این‌جا و مجدداً تکرار آن‌ها در شرح یافته‌های سؤال‌های دوم و سوم، مطلوب نیست، در این‌جا از درج مطالب مذکور پرهیز شده و با توجه به شرح کامل آن‌ها طی بررسی سؤال‌های دوم و سوم صرفاً به ذکر آن‌ها بسنده شده است.)

بررسی سؤال‌های دوم و سوم پژوهش (بنابر شرح

بند فوق، به دلیل پیوستگی تحلیل داده‌ها و توضیح یافته‌ها، در این‌جا نیز یافته‌های سؤال‌های دوم و سوم هم‌زمان مطرح شده است.)

2. هر یک از مبانی تربیت سیاسی از منظر امام علی

علیه‌السلام شامل چه اصولی است؟

3. از منظر امام علی علیه‌السلام هر یک از اصول

مطرح شده در تربیت سیاسی شامل چه روش‌هایی در تربیت سیاسی است؟

نتایج حاصل از تحلیل، بیانگر آن است که تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه‌السلام دارای نه مبناست که عبارت‌اند از: عبودیت و بندگی خداوند متعال، اعتدال، مدنیت، تأثیر محیط، اندیشه‌ورزی، کرامت، آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان. در اینجا پس از ذکر هر یک از مبانی مذکور، اصول تربیت سیاسی مطرح شده در هر یک از مبانی و سپس، روش‌های تربیتی مربوط به هر اصل، مطرح و بحث خواهد شد.

1. مبانی عبودیت و بندگی خداوند متعال

قرآن مجید هدف از خلقت آدمی را چنین بیان می‌دارد «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (قرآن مجید، ذاریات، 56). عبادت غایت خلقت انسان است. قُلْ اِنْ صَلَاتِي وُتْسُكِي و مَحْيَايَ و مَمَاتِي لَلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (همان، سوره انعام، آیه 162). بگو در حقیقت نماز من و عبادت من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است. امام علی علیه‌السلام نیز که از مخلص‌ترین پرورش یافتگان مکتب الهی است، هدف اول و آخر از تربیت انسان را قرب الهی و عبودیت پروردگار متعال می‌داند. و در این باره می‌فرماید «دنيا و آخرت، خداوند را فرمان‌بردار است و سر رشته هر دو به دست اوست» (خطبه 33، ص 177، پ (مخفف کلمه پاراگراف است) 4) (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، 1383) چاپ دوم، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین). بندگی و عبودیت خداوند متعال صفتی است که امام علی علیه‌السلام آن را اولین برجستگی رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله می‌داند و در معرفی ایشان می‌گویند: «شهادت می‌دهم که محمد صلی‌الله و علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست.» (خطبه 2، ص 27، پ 4). امام علیه‌السلام درباره علت عبودیت و بندگی انسان در برابر خدا را، می‌فرماید که انسان آفریده خداوند متعال است و سرانجام نیز در پیشگاه ایزد متعال حاضر می‌شود. «از خدایی بترس که ناچار او را ملاقات خواهی کرد، و سرانجامی جز حاضر شدن در پیشگاه او نداری» (نامه 12، ص 351، پ 3). در اهمیت این مبنا در تربیت اسلامی همین بس که امام علی علیه‌السلام در صدر بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های خویش به کارگزاران خود، از جمله نامه‌های 50، 51، 52، 53 و ... خود را چنین معرفی می‌کنند. «از بنده خدا، علی ابن ابیطالب، امیر مؤمنان به...» تأکیدات مکرر امام علی علیه‌السلام بر این خصلت ذاتی انسان نشان دهنده اهمیت اساسی این مبنای تربیتی است و مریبان در هر الگوی تربیتی باید آن را سرلوحه کار قرار دهند.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای پنج اصل است: خدا محوری، توکل بر

پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگانان، آنان که به اصل و حسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می پندارند و کارهای نادرست را به خدا نسبت می دهند و نعمت های گسترده خدا را انکار می کنند، تا با خواسته های پرودگار مبارزه کنند. . . . پس خدا را پروا کنید و از فرومایگان اطاعت نکنید» (خطبه 192، ص 275، پ 2).

1-1-3 توصیه به عمل کردن فقط برای خدا

عمل کردن برای خدا عمل را آسان می کند، هر چند آن عمل سخت باشد. حضرت در این خصوص به عثمان بن حنیف فرماندار بصره می فرماید: خوشا به حال آن کس که مسئولیت های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده، و در راه خدا هرگونه سختی و تلخی را به جان خریده و به شب زنده داری پرداخته و اگر خواب بر او چیره شد بر روی زمین خوابیده است و . . . و (نامه 45، ص 397، پ 4).

1-2-1 اصل توکل بر خدا

توکل به خدا به معنی واگذاری امور به خداوند متعال است، یعنی انسان در هر کاری تنها به خداوند متعال امیدوار باشد و وکالت خدا را در هر امری به همراه داشته باشد. توکل از اصولی است که در تربیت اسلامی برای تمامی جنبه ها کاربرد دارد و باعث بی اعتنایی انسان به غیر خدا می شود. زمامدار متوکل به خدا وظیفه اش را انجام می دهد و در مورد نتیجه، به خدا توکل دارد و بس. امام در وصیت خود به امام حسن در این باره می فرماید: «در تمام کارها، خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده ای» (نامه 31، پیشین).

روش های تربیتی مربوط به این اصل عبارتند از:

1-2-1-1 توجه دادن به رضامندی در برابر رضایت خدا

رضا مندی به رضای خدا آرامش روحی و روانی مردم و زمامداران را در پی دارد. از این رو به کارگزاران رضامندی به رضایت خدا را توصیه کرده و خود نیز در این مورد فرموده اند: «در برابر

خدا، اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ، محوریت دین در همه امور زندگانی از جمله سیاست (جدایی ناپذیری دین از سیاست) و حاکمیت اخلاق.

1-1-1 اصل خدامحوری

به این معنا که تمام اعمال و رفتار و کردار انسان در همه احوال متوجه خدا و اطاعت و بندگی خداوند متعال باشد. بدین ترتیب نگاه کردن، سخن گفتن، سکوت کردن، گوش کردن، راه رفتن، نشستن، غذا خوردن و . . . و به طور کلی همه اعمال انسان باید برای خدا و با هدف بندگی از ذات قدسی الهی انجام بگیرد. امام علی علیه السلام در مکاتبات خود با فرمانداران سرزمین های اسلامی اولین تذکری که می دهد یاد خداست، از جمله در نامه ای که امام به شریح بن هانی فرمانده سپاه خود نوشته است، می فرماید: «در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریبکاری دنیا بر نفس خویش بیمناک باش و هیچ گاه از دنیا ایمن مباش» (نامه 56، ص 423، پ 4).

روش های تربیتی برگرفته از اصل خدامحوری به شرح ذیل است.

1-1-1-1 توجه دادن به ارزش های الهی به جای ارزش های غیر الهی برای خدامحوری در همه کارها باید توجه به ارزش های الهی و نفی ارزش های غیر الهی در سرلوحه اعمال قرار بگیرد. در همین زمینه امام علیه السلام در خصوص فلسفه حکومت خود می فرماید: «خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سر زمین تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (خطبه 131، ص 175، پ 4).

1-1-2-1 نفی اطاعت از هر کس و هر چیز به جز خدا

حضرت در این خصوص خطاب به مردم در مقابل سران و بزرگان می فرماید: «آگاه باشید زنهار! زنهار! از

خواسته های خدا راضی و تسلیم فرمان‌های اویم» (خطبه 37، ص 63، پ 3).

1-2-2. توصیه به دعا و استعانت از خدا

«ایمانتان را با صدقه سیاست و حفظ کنند، دارائی‌هایتان را با زکو دادن در پناه آورید و گرفتاری‌های پی‌درپی را با دعا و درخواست دور سازید» (حکمت 145، ص 471).

1-2-3. امیدوارکردن به رحمت خدا

از وظایف زمامدار اسلامی در حفظ و تقویت دین مردم امیدوار نگاه داشتن آنان به رحمت خداوند است. امام علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت و آمرزش خدا مأیوس نکند و ایشان را از آسایش و خوشی از جانب خدا نومید نسازد و آن‌ها را از عذاب خدا ایمن و آسوده ننماید» (حکمت 90، ص 459).

1-3-3. اصل اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ

اعتقاد به آخرت، به دنیایی به غیر از این دنیا، از یک سو هدفمند بودن خلقت را اثبات می‌کند و مانع پوچ‌انگاری زندگی می‌شود و از سوی دیگر، دانستن این‌که حساب و کتاب، و پاداش و عقابی در آینده به انتظار است، انسان را از انجام دادن هر عمل ناشایستی باز می‌دارد. امام علیه‌السلام با تکیه بر این اصل تربیتی و یاد آوری اینکه دنیا فانی است، به کارگزاران و مردم در این خصوص هشدار داده‌اند و می‌فرمایند: «شما را از دنیا می‌ترسانم، زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن» (خطبه 113، ص 153، پ 2). روش‌های تربیت سیاسی مربوط به این اصل عبارت‌اند از:

1-3-3-1. یادآوری مرگ

فراموشی مرگ باعث می‌شود که زمامداران و مردم رو به دنیا آورند. از این‌رو امام علی علیه‌السلام در خصوص غفلت از مرگ هشدار داده و نهیب می‌زنند: «یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبده جای

آن را گرفته است، دنیا بیش از آخرت شما را تصاحب کرده و متاع زود رس دنیا بیش از متاع جاویدان آخرت در شما نفوذ کرده و دنیا زدگی آخرت را از یاد شما برده است» (خطبه 113، ص 153، پ 4).

1-3-2. ترغیب به اکتفا کردن به دنیا در حد ضرورت

امام علیه‌السلام برای عبرت زمامداران در این خصوص به زیاد حاکم فارس می‌فرماید: «ای زیاد! از اسراف پرهیز و میانه‌روی برگزین، از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست» (نامه 21، ص 357).

1-3-3. عبرت آموزی از درگذشتگان

امام علیه‌السلام برای یادآوری کوتاهی دوران زمامداری به حاکمان و توجه دادن آنان به دوری از دنیا پرستی در این زمینه می‌فرماید: «آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید که عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر و آرزوهایشان درازتر و افرادشان بیش‌تر و لشکریانشان انبوه‌تر بودند؟ دنیا را چگونه پرستیدند و آن را چگونه بر خود گزیدند؟ و سپس از آن رخت بر بستند و رفتند» (خطبه 111، ص 151، پ 3).

1-4-4. اصل محوریت دین در همه امور زندگی از جمله سیاست (جدائی‌ناپذیری دین از سیاست)

اگر دین‌محوری اصل امور قرار بگیرد و تدبیر زندگانی مبتنی بر آن باشد، انسان به سعادت خواهد رسید. آنگاه است که همه اعمال انسان با ترازوی دین ارزیابی خواهد شد. هر عملی که مطابق با آموزه‌های دینی باشد توجیه‌پذیر است و در غیراین صورت باید از آن چشم پوشید. امام علی علیه‌السلام در همه امور زندگانی مخصوصاً در دوره کوتاه حکومت خود این مهم را مورد تأکید قرار داده و بارها آن‌را به مناسبت‌های مختلف به کارگزاران و مردم تذکر داده‌اند. برخورد آن حضرت با مسئلت‌اندیشی عده‌ای که به امام علیه‌السلام پیشنهاد مماشات در مقابل

شبهه‌ناکند، به خدا و رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله باز گردان، زیرا خدا برای مردمی که علاقه به هدایتشان داشته فرموده است: "اطاعت کنید خدا و پیامبران و لسی امرتسان را، پس اگـر در خبری کار به مشاجره کشید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید" ارجاع به خداوند گرفتن آیات روشن و صریح کتاب اوست و واگذاری به پیامبر به معنای پیروی از سنت فراگیر و دور از اختلاف اوست» (نامه 53، ص 411، پ).

1-5. اصل حاکمیت اخلاق

از اخلاق تعاریف بسیار زیادی شده است، اما آنچه منظور ما از مزمن شدن به اخلاق است، ایجاد شناخت و برانگیخته شدن احساس برای تضعیف و انهدام صفات منفی و مراقبت و پرورش هماهنگ صفات مثبت است تا این صفات ملکه انسان شوند. با این تعریف از اخلاق، تمام آنچه امام علی علیه‌السلام در خصوص تهذیب نفس در موارد مختلف ذکر کرده‌اند، زیر لوای این اصل مسلم تربیتی قرار خواهد گرفت و بدیهی است که برای عبودیت باید مزمن به اخلاق حسنه بود. بایدها و نبایدهای اخلاقی آن‌قدر مهم اند که امام علی علیه‌السلام در بستر شهادت در وصیت به امام حسن و امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، به دنیاپرستی روی نیاورید، گرچه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید، حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید» (نامه 47، ص 399، پ 1)

روش‌های برگرفته از این اصل در سیره امام علی علیه‌السلام عبارت‌اند از:

1-5-1. توصیه به جهاد با نفس

امام علی‌السلام در این خصوص به کارگزاران اصرار مؤکد داشته‌اند، از جمله در نامه به مالک اشتر

معاویه و حکومت او در شام را می‌دادند از همین روحیه دین‌محوری امام علیه‌السلام در امور زندگانی حکایت دارد. امام علی علیه‌السلام در مورد حفظ دین و محور قراردادن آن در امور می‌فرماید: «ای بندگان خدا! آن کس که بیش‌تر به خود خیرخواهی توجه دارد، در برابر خدا، از همه کس فرمان‌بردارتر است، و آن کس که خوشتن را بیش‌تر می‌فریبد، نزد خدا گناه‌کارترین انسان هاست. زیان‌کار واقعی کسی است که خود را بفریبد و آن کس مورد غبطه است و بر او رشک می‌برند که دین او سالم است» (خطبه 106، ص 103، پ 3).

روش‌های مبتنی بر این اصل که از سیره امام علی علیه‌السلام هستند، عبارت‌اند از:

1-4-1. پرهیز دادن از به‌کار بردن فریب و نیرنگ در سیاست امام علی علیه‌السلام در نشان دادن الگویی عملی برای این مسئله در پاسخ به کسانی که معاویه را شخصی سیاستمدار معرفی می‌کردند، می‌فرماید: «سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما حيله‌گر و جنایت‌کار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (خطبه 200، ص 301، پ 3).

1-4-2. توجیه‌ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله ایشان در همین زمینه در نامه‌ای به کارگزاران بیت المال نوشته‌اند: «... برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی و زمستانی، و مرکب‌سواری، و برده‌کاری آنان را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی که "نماز گزار باشد، یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است" دست‌اندازی نکنید» (نامه 51، ص 401، پ 4).

1-4-3. تأکید بر محور قرار دادن کتاب و سنت در حل اختلاف امام علی‌السلام در همین خصوص در نامه به مالک اشتر به ایشان می‌فرماید: «مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید و اموری که برای تو

عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادت پیسنیدیه است» (نامه 31، ص 371، پ 3).

1-5-6. رفق ومدارا

امام علیه السلام در خصوص پرهیز از لجاجت و برگزیدن روش های منعطف در امر کشورداری به مالک می فرماید: «پس در مشکلات از خدا یاری جوی، و درشت خوئی را با اندکی نرمی بیامیز. در آن جا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نمی گیرد، درشتی کن» (نامه 46، ص 397، پ 5).

1-5-7. ترغیب به عدم کینه جویی

امام علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر در این باره به ایشان می فرماید: «از بخشیدن دیگران پشیمان مباش، از کيفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش» (نامه 53، ص 405، پ 1).

1-5-8. دوری از افراد عیب جو و سخن چین

امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او می فرماید: «از رعیت آنان که عیب جوترند از خود دور کن» (نامه 53، ص 405، پ 3).

1-5-9. توصیه به وفای به عهد

امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک در این خصوص فرموده است: «در قرارداد نامه، دست از بهانه جویی بردار، مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده ات قرار گرفته، و خدا آن را بر گردنت نهاده است، تو را به پیمان شکنی وادارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان هایی که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کيفر آن می ترسی، و در دنیا و آخرت نمی توانی پاسخ گوی پیمان شکنی باشی (همان، ص 419، پ 3).

1-5-10. تأکید بر رازداری

می فرمایند: «... به او فرمان می دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها بازدارد و به هنگام سرکشی رامش کند، چرا که همانا "نفس همواره به بدی وامی دارد جز آن که خدا رحمت آورد"» (نامه 53، ص 403، پ 3). همچنین آن حضرت در مذمت پیروی از هوای نفس به معاویه می فرماید: «پیروی از هواها و خواهش نفس تو را به بدی ها کشانده، و در پرتو گمراهی قرار داده است، و تو را در هلاک انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است» (نامه 30، ص 369، پ 3).

1-5-2. پرهیز دادن از خود پسندی

خود پسندی از صفات بسیار مذمومی است که اگر زمامدار یا کارگزار دچار آن باشد، جامعه را به تباهی می کشد، به همین دلیل امام آن را حتی بدتر از سیئه معرفی کرده اند و در مورد آن می فرماید: «سیئه و بدی که ترا اندوهگین سازد نزد خدا بهتر است از حسنه و خوبی که تو را به خودبینی و خود پسندی و سرافزاری وادارد» (حکمت 46، ص 453).

1-5-3. تأکید بر پرهیز از ستم

ستم نیز از بدترین اعمالی است که ممکن است کارگزاران انجام دهند. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «بدترین توشه برای روز قیامت، ستم بر بندگان است» (حکمت 221، ص 483).

1-5-4. نبی از دروغ گویی

امام علیه السلام در مذمت این رذیله اخلاقی به یکی از کارگزارانشان می فرماید: «همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می سازد و عیب او را در نزد عیب جویان آشکار می سازد» (نامه 48، ص 399، پ 4).

1-5-5. توصیه به صبر و تحمل

امام علیه السلام در وصیت نامه خود به امام حسن علیه السلام در این خصوص می فرماید: «برای حق در مشکلات و سختی ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات

«مردم عیوبی دارند که رهبر امت اسلامی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آن چه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آن چه هویدا است بیوشانی، که داوری درباره آن چه از تو پنهان است با خدای جهان است. پس چندان که می توانی زشتی ها را پوشان، تا آن را که

جدول 1: مبنای عبودیت و بندگی خداوند متعال، اصول و روشهای مربوط به آن

مبنا	اصول	روشها
خدا محوری		1- توجه دادن به ارزشهای الهی به جای ارزشهای غیرالهی
		2- نفی اطاعت از هرکس و هر چیز به جز خدا
		3- توصیه به عمل کردن فقط برای خدا
		4- تأکید بر ناظر دانستن خداوند در همه احوال
توکل بر خدا		1- توجه دادن به رضامندی در رضایت خدا
		2- توصیه به دعا و استعانت از خدا
		3- امیدوار کردن به رحمت خدا
اعتقاد به عالم آخرت و زندگی پس از مرگ		1- یادآوری مرگ
		2- ترغیب به اکتفا کردن به دنیا در حد ضرورت
		3- عبرت آموزی از درگذشتگان
محوریت دین در همه امور زندگانی از جمله سیاست (جدائی ناپذیری دین از سیاست)		1- پرهیز دادن از به کار بردن فریب و نیرنگ در سیاست
		2- توجه ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله
		3- تأکید بر محور قرار دادن کتاب و سنت در حل اختلاف
حاکمیت اخلاق		1- توصیه به جهاد با نفس
		2- پرهیز دادن از خودپسندی
		3- تأکید بر پرهیز از ستم
		4- نهی از دروغگویی
		5- توصیه به صبر و تحمل
		6- رفق و مدارا
		7- ترغیب به عدم کینه جویی
		8- دوری از افراد عیب جو و سخن چین
		9- توصیه به وفای به عهد
		10- تأکید بر رازداری

عبودیت و بندگی خداوند متعال

دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند» (نامه 53، ص 405، پ 2).

این مبنا به موزون بودن خلقت انسان اشاره دارد و این که موجودیت انسان و سایر موجودات در زمین، موزون و منظم است. امام علی علیه السلام در اشاره به این مطلب می فرماید: «آنچه را آفرید با اندازه گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظم شان داد و به

2. مبنای توازن

از مهم‌ترین تاکیدات امام علی علیه‌السلام به کارگزاران رعایت مساوات میان مردم است. ایشان در این زمینه فرموده‌اند:

«آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جز اموال خداست. آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است» (خطبه 126، ص 169، پ 2).

2-1-2. تأکید بر برخورداری همه اتحاد از حقوق شهروندی دو زن آمدند که یکی عرب و دیگری غیر عرب بود. حضرت علی علیه‌السلام سهم مساوی به آن‌ها داد. زن عرب اعتراض کرد و گفت، من عربم و آن دیگری عجم است. امام علی علیه‌السلام فرمود: در این فقره، فرزندان اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق برتری ندارند (عرب بر عجم برتری ندارد) (همان، ص 81).

2-3-1. اصرار بر پاداش و تنبیه متناسب با عمل امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکار بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند، پس هر یک از آنان را بر اساس کردارشان پاداش بده» (نامه 53، ص 407، پ 5).

2-2. اصل محوریت قانون (شرع) امام علی علیه‌السلام در باب وجوب وجود حاکمی که باید نظام اجتماعی باید در سایه او شکل بگیرد و سامان یابد، می‌فرماید: «مردم به زمام‌دار نیک یا بد نیازمندند. تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند، و مردم در پناه استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت بیت‌المال

خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان دلیل که آفریده شد به حرکت در آورد. چنان که نه از حد و مرز تجاوز نماید و نه در رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند تا بر اساس اراده او زندگی کنند. . . . موجودات را آفرید. پس آفرینش کامل شد و به عبادت و اطاعت او پرداختند. دعوت او را پذیرفتند و در برابر فرمان او سستی و درنگ نکردند و در اجرای فرمان الهی توقف نپذیرفتند. پس کجی‌های هر چیزی را راست و مرزهای هر یک را روشن ساخت و با قدرت خداوندی بین اشیای متضاد هماهنگی ایجاد کرد و وسایل ارتباط آنان را فراهم ساخت و موجودات را از نظر حدود، اندازه و غرایز و شکل‌ها و قالب‌ها و هیئت‌های گوناگون تقسیم و استوار فرمود و با حکمت و تدبیر خویش، هر یکی را به سرشتی که خود خواست، درآورد» (خطبه 91، ص 113، پ 2).

2-1- اصل عدالت

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، اداره بهتر اجتماع و توسعه امنیت و رفاه عموم مردمان مرهون تحقق عدالت و گسترش دادرزی در جامعه است «زیرا در عدالت گشایش برای عموم است» (خطبه 15، ص 39، پ 3). حضرت علی علیه‌السلام برقراری عدالت در جامعه را از مهم‌ترین هدف‌های تشکیل حکومت تلقی کرده و در عمل نیز تمام توجه خود را معطوف گسترش عدالت اجتماعی کرده‌اند. همچنین امام عدالت را برترین فضیلت دانسته‌اند و وقتی از حضرت پرسیده شد که عدالت برتر است یا سخاوت، پاسخ دادند که عدالت هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد، اما سخاوت آن را از مسیرش خارج می‌سازد، عدالت قانونی فراگیر و همگانی است، ولی سخاوت و بخشندگی جنبه خصوصی دارد پس عدالت برتر از سخاوت است (حکمت 437، ص 527).

2-1-1. رعایت مساوات در میان امت

یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند. در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (نامه 53، ص 417، پ 2).

2-2-4. پرهیز دادن مؤکد از رشوه‌خواری

«شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت، از معجونی که در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویی با آب دهان مار سمی یاقی کرده مخلوط کرده‌اند به او گفتم هدیه است یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) حرام است. گفت نه زکات و نه صدقه بلکه هدیه است. گفتم زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن زده شده‌ای یا هذبان می‌گویی؟» (خطبه 224، ص 329، پ 1).

2-2-5. تذکر به اعمال نظارت

امام علی علیه‌السلام در اعمال نظارت بسیار مُصَرِّر بودند و خود این کار را به نحو بسیار مطلوب و به شکل عادلانه انجام می‌دادند. امام درخصوص نظارت بر اعمال کارگزاران و اعمال حکومت به مالک اشتر می‌فرمایند: «اعمال آن‌ها را زیر نظر بگیر و ناظرانی از افراد صادق و وفادار بر آنان بگمار، زیرا مراقبت پنهانی از اعمال‌شان آن‌ها را وادار به رعایت امانت و مدارا با مردم می‌کند» (همان، ص 411، پ 7).

2-2-6. تذکر به استفاده به جا از قدرت

امام علی علیه‌السلام در تبیین این نکته به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نوشته است: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست» (نامه 5، ص 345، پ 4).

2-2-7. تأکید بر رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان

ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن که از خیرخواهی شما دریغ

جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن می‌توان با دشمنان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود. نیکو کاران در رفاه و از دست بدکاران در امان هستند» (خطبه 40، ص 65، پ 3). اما درباره این که چه کسی می‌تواند حاکم باشد و درخصوص منشأ و چگونگی مجموعه قوانینی که براساس آن جامعه اداره می‌شود معتقدند، قانونی که می‌تواند جامعه را در کمال عدل اداره کند، قانون شرع است، لذا خواستار محوریت آن در اداره جامعه هستند و قانون‌گرایی خویش می‌فرمایند: «چون کار حکومت به من رسید، به کتاب خدا و آنچه برای ما مقرر داشته و ما را به آن حکم کرده است نگریستم و از آن پیروی کردم و به سستی که رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله نهاده است رفتم» (خطبه 205، ص 305).

روش‌های این اصل عبارتند از:

2-2-1. ترغیب به رعایت احکام الهی و قوانین شرع

همانا خداوند واجباتی را بر شما لازم شمرده است، آنها را تباہ نکنید، حدودی برای شما معین فرموده است، از آنها تجاوز نکنید؛ از چیزهایی نهی فرموده، حرمت آنها را نگه دارید و درباره چیزهایی سکوت فرموده، نه از روی فراموشی، پس خود را درباره آن‌ها به زحمت و رنج نیندازید» (حکمت 105، صص 62-461).

2-2-2. پرهیز دادن از امتیاز خواهی

«و پرهیز از آن که چیزی را به خود مخصوص داری که - بهره - همه مردم در آن یکسان است» (نامه 53، پیشین).

2-2-3. پرهیز دادن از امتیازدهی به غیرحق

امام علی علیه‌السلام در همین باره به مالک اشتر می‌فرمایند: «همانا زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمین واگذار مکن و به گونه ای با آنان رفتار نما که قراردادی به سودشان منعقد نشود که به مردم زیان رساند. مانند آبیاری مزارع،

درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمع ورزی شان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است» (نامه 53، ص 411).

3. مبنای مدنیت

انسان ذاتاً موجودی مدنی و اجتماعی است و هدف‌های وی نیز در اجتماع بر آورده می شود. زندگی اجتماعی هزاران مسئله و مشکل برای انسان به وجود می آورد که باید حل کند و تکلیفش را در مقابل همه آنها روشن سازد و چون موجودی است اجتماعی، سعادت خود را باید در شاه‌راهی جستجو کند که جامعه را به سعادت و کمال برساند. دلیل جمع‌گرایی و مدنی بودن ذاتی انسان این است که به حکم عقل و اراده زندگی اجتماعی را انتخاب کرده است و باید بتواند نیازهای خود را که در متن خلقت او نهفته است، بهتر تأمین کند، هرچند که به نظر می آید ناگزیر بوده است (مطهری، 1369). تعیین ضابطه‌ای برای این کار - قانون - تشکیل حکومت و نهادهای وابسته به آن، و اصولاً تمام مظاهر زندگی اجتماعی انسان نشأت گرفته از همین مبنای وجودی است که از مبانی مهم تربیتی نیز هست. امام علی علیه‌السلام در اشاره به نیاز انسان به برقراری ارتباط با دیگران، از جمله خویشاوندان، می فرماید: «ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان بی نیاز نیست تا با زبان و دست از او دفاع کنند. ... اضطراب و ناراحتی او را بزدايند و در هنگام مصیبت‌ها با او پرعاطفه‌ترین مردم باشند» (خطبه 23، ص 47، پ 3). امام علیه‌السلام در این خطبه برآورده شدن نیازهای اولیه را دلیل اجتماعی بودن انسان دانسته‌اند و اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان بشری نیز همین دلیل اجتماعی بودن انسان ذکر کرده‌اند.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای سه اصل است: مردم‌سالاری، سامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و تأمین امنیت.

3-1. اصل مردم سالاری

نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید، و اما حق من بر شما این است که به بیعت من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را خواندم اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم اطاعت نمایید (خطبه 34، ص 61، پ 2).

2-3. اصل شایسته سالاری

در نظر گرفتن توان، لیاقت و شایستگی افراد برای مناصبی که احراز می کنند از مهم‌ترین اصول در اداره جوامع بشری است. امام علی علیه‌السلام برای اثبات این اصل ابتدا به شایستگی خود در منصب خلافت اشاره کرده‌اند و می‌فرماید: «جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند» (خطبه 3، ص 29، پ 3). کنایه از آن که ردای خلافت تنها زینده قامت من است. آن‌گاه امام علیه‌السلام در خطبه دیگری راجع به شایستگی زمام‌دار در زمام‌داری می‌فرماید: «کار مردم جز به شایستگی زمام‌داران سامان نمی‌یابد» (خطبه 216، ص 315) و در جای دیگر در همین باره می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد» (خطبه 173، ص 233، پ 2). براساس همین اعتقاد است که امام علی علیه‌السلام خود شایسته‌ترین افراد را برای پست‌ها و مناصب حکومتی در نظر می‌گرفتند.

2-3-1. تأکید برانتخاب کارگزاران با لیاقت و شایسته

در این باره امام علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در کار عاملان خود بیندیش و پس از آزمودن، به کارشان بگمار و به میل خود و بی مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار، که به هوای خود رفتن و به رای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان‌های پاکیزه و با تقوی که در مسلمانان سابقه

علیه‌السلام احترام به انتخاب مردم - هرچند این انتخاب باعث ضایع شدن حق خلافت ایشان باشد - دیده می‌شود.

این اصل بیانگر توافق رأی و نظر مردم در مورد حکومت و سیاست و چگونگی اداره شدن اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند. در سیره امام علی

جدول 2: مبنای توازن، اصول و روشهای مرتبط با آن

روشها	اصول	مبنا
1- رعایت مساوات در بین امت 2- تاکید بر برخورداری همه آحاد از حقوق شهروندی 3- اصرار بر پاداش و تنبیه متناسب با عمل	1. عدالت	
1- ترغیب به رعایت احکام الهی و قوانین شرع 2- پرهیز دادن از امتیاز خواهی 3- پرهیز دادن از امتیازدهی به غیر حق 4- پرهیز دادن مؤکد از رشوه‌خواری 5- تذکر به اعمال نظارت 6- تذکر به استفاده به‌جا از قدرت 7- تأکید بر رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان	2. محوریت قانون (شرع)	توازن
1- تأکید بر انتخاب کارگزاران با لیاقت و شایسته	3. شایسته سالاری	

که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما در برابر رئیس حکومت باشم، پس وزیر و مشاورتان باشم بهتر است تا امیر و رهبر شما شوم» (خطبه 92، ص 123). با توجه به این خطبه می‌توان دریافت که امام علیه‌السلام مردم را در انتخاب رهبر محق دانسته‌اند و حتی تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌فرمایند هر که را شما انتخاب کنید من هم از او اطاعت می‌کنم (سیره امام علی علیه‌السلام بیانگر این نکته است که علی‌رغم حق مسلم ایشان در زمینه خلافت مسلمانان، ایشان برای حفظ وحدت اجتماع مسلمانان از حق مسلمشان در این خصوص چشم پوشیدند، کما این‌که خود ایشان در مورد با بیعت مردم با ابوبکر در نامه 62 می‌فرمایند: «و با هجوم مردم به سوی ابوبکر برای بیعت از هر سو، من از بیعت دست باز داشتم، زیرا که می‌دیدم از هر کسی برای جانشینی پیامبر سزاوارترم. زمانی درنگ کردم - آن‌چه خدا بخواهد - تا وقتی دیدم مردم از دین اسلام بر می‌گردند و به نابودی دین و آیین محمد صلی‌الله و علیه و آله و ابراهیم دعوت می‌کنند. ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری ندهم در دین رخنه‌ای پدید آید و

امام علیه‌السلام پس از قتل عثمان، آن‌گاه که مردم هجوم آوردند تا با ایشان بیعت کنند، فرمود: «مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید (این در حالی است که امام علی علیه‌السلام از طرف خداوند به امامت منصوب شده‌اند. علاوه بر آن، به دلایل فراوان عقلی و روشن، سزاوارترین و لایق‌ترین فرد برای حکومت بودند. ولی چون می‌دانستند بعضی از همین افراد در گفتارشان در خصوص حکومت ایشان صادق نیستند، چنین بیاناتی ایراد فرمودند) زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است و چهره‌های گوناگون دارد و دل بر این بیعت ثابت نخواهد ماند و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند. چهره افق حقیقت را ابرهای تیره فساد گرفته و راه مستقیم حق ناشناخته مانده است. آگاه باشید، اگر دعوت شمار را بپذیرم، براساس آن‌چه می‌دانم عمل می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرا نمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، یکی از شما هستم

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک اشتر توصیه فرموده‌اند که:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (نامه 53، ص 403، پ 4)، در ادامه همین نامه امام علیه‌السلام تأکید می‌فرمایند که: «در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باش، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر کند» (همان، ص 405، پ 3).

3-1-3. تأکید بر دوری از خشونت و خونریزی

از خونریزی پرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق، کيفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند» (نامه 53، ص 419، پ 3).

3-1-4. تأکید بر جبران مافات در صورت اشتباه کارگزاران

اگر به خطا خون کسی ریختی یا تازیانه یا شمشیر یا دستت دچار تندروی شد، مبادا غرور قدرت، تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان مقتول باز دارد (همان).

3-1-5. تأکید بر حفظ اسرار مردم

امام علی علیه‌السلام در این مورد به مالک می‌فرمایند: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است» (همان).

3-1-6. تأکید بر انتخاب مشاوران آگاه و دانا

امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرمایند: «در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است» (نامه 53، ص 411، پ 3).

3-1-7. توصیه به حضور رهبران در میان مردم

بنای مسلمانی ویران شود. در این صورت مصیبت آن بر من بزرگ‌تر از محروم شدن از حکومت بر شما خواهد بود که متاعی چند روزه و زوال‌پذیر است و همانند سراب بیابان نابود شده و چون ابرهای آسمان پراکنده می‌شود» علی‌رغم این مسائل، امام علیه‌السلام در تمام مدت خلافت خلفای سه‌گانه، جز در مواردی که نص دین در خطر قرار می‌گرفت، هرگز در مخالفت با خلیفه اقدامی انجام ندادند. ایشان یکی از دلایل پذیرش خلافت بعد از قتل عثمان را حضور عامه مردم برای بیعت با خودشان عنوان کرده‌اند و می‌فرمایند: «شما مردم! برای بیعت کردن به من روی آوردید، همانند مادیان تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند، و پیاپی فریاد کشیدید بیعت! بیعت! من دستان خود را فرو بستم، اما شما به اصرار آنرا گشودید...» (خطبه 137، ص 181، پ 3).

3-1-1. توجه دادن به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت

امام علی علیه‌السلام در خصوص رعایت این حق مردم به مالک اشتر می‌فرمایند: «

ای مالک، مبادا بگویی که به من فرمان داده‌اند و من اکنون فرمان می‌دهم و باید از من پیروی شود، زیرا اگر چنین بگویی، باعث تباهی شخصیت در دین و زوال حکومت می‌گردد (نامه 53، ص 405، پ 1). در جای دیگر امام در رد استبداد و خودرأیی و تأیید مشارکت مردم در سرنوشت خود می‌فرمایند: «هر کس که تنها به رأی خود اتکا کند نابود است و هر کس که دیگران را به رایزنی بخواند، در عقل ایشان سهیم شده است» (حکمت 161، ص 475). ایشان همچنین درباره این اصل در حکومت خودشان فرمودند: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود و ... مه‌ار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته ره‌ایش می‌ساختم (خطبه 3، ص 31، پ 5).

3-1-2. توصیه به برخورد محبت‌آمیز با مردم

3-2-2. اصرار در بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبانش
 امام در این خصوص فرمودند: «به خدا سوگند
 بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم، به صاحبان اصلی
 آن باز می‌گردانم، گرچه با آن فرد ازدواج کرده یا
 کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای
 عموم است» (خطبه 15، ص 39).

3-2-3. نظارت دقیق بر بیت‌المال
 همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به
 من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم
 یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در
 هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (نامه
 20، ص 357).

3-2-4. حمایت از تجارت و صنعت
 امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌نویسد:
 «سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع پذیر و آنها
 را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر
 ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن هستند و
 بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که
 آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی
 و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست
 و دشوارند ... در کار آنها بیندیش! چه در شهری باشند
 که تو به سر می‌بری یا در شهرهای دیگر» (نامه 53،
 ص 415، پ 1).

3-2-5. جلوگیری از احتکار، گران‌فروشی و سودجویی
 امام علی علیه‌السلام در خصوص مبارزه با این دسته
 به مالک می‌فرماید: «بدان که در میان بازرگانان کسانی
 هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکار
 کننده‌اند، تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و
 کالا را با هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، و این
 سودجویی و گران‌فروشی برای همه آحاد جامعه زیان‌بار
 و عیب‌بزرگی برای زمام‌دار است. پس، از احتکار
 جلوگیری کن که رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله از آن
 جلوگیری می‌کرد. باید خرید و فروش در جامعه

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک
 می‌فرماید: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار
 که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و
 کم‌اطلاعی در امور جامعه است، نهان شدن از رعیت
 زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز
 می‌دارد» (نامه 53، ص 417، پ 2).

3-2. اصل سامان بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی
 جامعه
 یکی از مهم‌ترین اهداف امام علی علیه‌السلام در
 حکومتش ساختن جامعه‌ای با اقتصاد سالم، درآمد بالا و
 دارای عمران و آبادانی بود مردم با برخورداری از رفاه
 نسبی، به معنویات، رشد کمالات و بالابردن سطح
 فرهنگ و آگاهی خود دست یابند (علیخانی، 1381،
 ص 89) به همین دلیل در نظر ایشان حکومت
 سامان‌دهی وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه از
 مهم‌ترین وظایف است. تا فقر از جامعه ریشه کن شود،
 فقری که در نظر امام علی علیه‌السلام «بزرگ‌ترین مرگ
 است» (حکمت 163، ص 475).

3-2-1. تأکید در به رسمیت شناختن حق حاکمیت افراد بر اموال و
 دارایی‌هایشان
 امام علی علیه‌السلام در این خصوص به ماموران جمع
 آوری مالیات می‌فرماید: «با ترس از خدایی که یکتاست
 و همتایی ندارد حرکت کن، در سر راه، هیچ مسلمانی را
 ترسان، یا با زور از زمین او نگذر، و افزون از حقوق
 الهی از او مگیر، هر گاه به آبادی رسیدی در کنار آب
 فرود آیی، و وارد خانه کسی مشو، ... سپس می‌گویی:
 ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما
 فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست
 تحویل بگیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نمایندگی
 او بسپارید؟ اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و
 اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو، بدون آنکه او را
 بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی،
 هر چه طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند
 یا شتر بود، بدون اجازه اش داخل مشو که اکثر اموال از
 آن اوست ...» (نامه 25، ص 361، پ 1).

«باید تلاش تودر آبادانی زمین بیش‌تر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد» (همان).

3-3-3. اصل تأمین امنیت

3-3-1. توجه دادن به لزوم تشکیل سپاه

امام علی علیه‌السلام در این زمینه به مالک می‌فرماید: «سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت و زینت وفادار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشور هستند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نشود» (نامه 53، ص 409، پ 2).

3-3-2. بسیج مردم داوطلب هنگام تهدید امنیت

به سوی فرمانده خود بشتابید و در جهاد بر دشمن بر یکدیگر پیشی‌گیرید به خواست خدای عزیز و بزرگ» (نامه 1، ص 343، پ 2). اما در این خصوص لازم است به نکته‌ای اشاره شود که امام علی علیه‌السلام به آن توجه داشته و کارگزاران را نیز متوجه آن کرده‌اند؛ نکته این است که شرکت در بسیج همگانی باید داوطلبانه باشد نه به اجبار. امام علی علیه‌السلام در این مورد به عثمان بن حنیف می‌نویسد: «با کمک فرمان‌برداران با مخالفان نبرد کن، و از آنان که فرمان می‌برند برای سرکوب آن‌ها که از یاری تو سر باز می‌زنند مددگیر، زیرا بهتر است کسی که از جنگ کراهت دارد، در آن شرکت نداشته باشد و شرکت نکردنش از یاری دادن اجباری بهتر است» (نامه 4، ص 345).

3-3-3. توصیه درباره رسیدگی به وضعیت سپاهیان

امام در این خصوص به مالک توصیه می‌فرماید: «در کارهای آنان (سپاهیان) به گونه‌ای بیندیش که پدری مهربان درباره فرزندش می‌اندیشد، و مبادا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کنی در نظرت بزرگ جلوه کند و نیکو کاری خود را در حق آنان هر چند اندک باشد،

اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت و با نرخ‌هایی که به فروشنده و خریدار زیانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (همان).

3-2-6. هشدار درباره رسیدگی به امور محرومان و نظارت بر زندگی آنان

امام علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، اعم از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان؛ همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشتن‌داری و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه (محرومان) معین فرموده است، بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمینی غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقه پائین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمان همانند نزدیک‌ترین آن‌ها سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی. مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام دادن کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود» (نامه 53، ص 415، پ 2).

3-2-7. توجه دادن به سامان‌دهی وضعیت مالیاتی

ایشان در این خصوص به مالک اشر می‌فرمایند: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلی امور دیگر اقدار جامعه است و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگانند» (نامه 53، ص 413، پ 2).

3-2-8. توجه به آبادانی زمین و کشاورزی

امام علیه‌السلام در این زمینه به مالک هشدار می‌دهند: «زَنهار، زَنهار، از دشمن خدا پس از آشتی کـــردن، زیـــردن، گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش و خوشبینی خویش را متهم مکن» (همان، ص 419).

4. مبنای تأثیر محیط

انسان موجودی اجتماعی است که به سبب خلقت خویش، در وضعیت‌های مختلف محیطی در معرض حالات، احساسات و افکار معینی قرار می‌گیرد. علت شکل‌گیری چنین حالات و احساساتی این است که آدمی همواره با غیر در ارتباط قرار دارد.

خوار پندار، زیرا نیکی، آنان را به خیر خواهی تو خواند، و گمانشان را در مورد تو نیکو گرداند و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار، زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند و از نیکی‌های زیاد تو بی‌نیاز نیستند» (نامه 53، ص 409، پ 3).

3-3-4. تأکید بر اولویت دادن به صلح

توصیه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر در این خصوص چنین است. «هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن که آسایش رزمندگان، آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌شود (همان).

3-3-5. تذکر به حزم و دوراندیشی با دشمن در زمان صلح

جدول 3: مبنای مدنیت، اصول و روشهای مرتبط با آن

مبنا	اصول	روش‌ها
1. مردم سالاری		1- توجه دادن به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت
		2- توصیه به برخورد محبت آمیز با مردم
		3- تأکید بر دوری از خشونت و خونریزی
		4- تأکید بر جبران مافات در صورت اشتباه کارگزاران
		5- تأکید بر حفظ اسرار مردم
		6- تأکید بر انتخاب مشاوران آگاه و دانا
		7- توصیه به حضور رهبران در میان مردم
2. سامان دادن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه		1- تأکید در به رسمیت شناختن حق حاکمیت افراد بر اموال و دارایی‌هایشان
		2- اصرار در بازگرداندن اموال غصب شده به صاحبانش
		3- نظارت دقیق بر بیت‌المال
		4- حمایت از تجارت و صنعت
		5- جلوگیری از احتکار، گرانفروشی و سودجویی
		6- هشدار درباره رسیدگی به امور محرومان و نظارت بر زندگی آنان
		7- توجه دادن به ساماندهی وضعیت مالیاتی
3. تأمین امنیت		8- توجه به آبادانی زمین و کشاورزی
		1- توجه دادن به لزوم تشکیل سپاه
		2- بسیج مردم داوطلب هنگام تهدید امنیت
		3- توصیه درباره رسیدگی به وضعیت سپاهیان
		4- تأکید بر اولویت دادن به صلح
5- تذکر به حزم و دوراندیشی با دشمن در زمان صلح		

می‌تواند مبدأ بسیاری از حالات و رفتارهای او باشد. اصلاح شرایط از مواردی است که امام علی علیه‌السلام برای به‌راه آوردن بندگان نافرمان خدا از آن استفاده می‌کند و این کار را به صورتی مؤکد به کارگزاران توصیه می‌کند؛ از جمله امام علیه‌السلام در نامه‌ای خطاب به معاویه می‌نویسد: «دنیا تو را با خوشی‌های خود فریب داده و به سوی خود می‌خواند، و تو به دعوت آن پاسخ داده‌ای، فرمانت داد و اطاعت کردی. همانا به زودی تو را وارد می‌دهان خطرناکی می‌کند که هیچ سپر نگهدارنده‌ای نجات نمی‌دهد. ای معاویه از این کار دست بکش و آماده حساب باش، و آماده حوادثی باش که به سراغت می‌آید. به گمراهان فرومایه گوش مسپار. اگر چنین نکنی به تو اعلام می‌دارم که در غفلت‌زدگی قرار گرفته‌ای؛ همانا تو نازپرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند و با تو به آرزوهایش می‌رسد. ... تو را می‌ترسانم از این‌که به دنبال آرزوها تلاش کنی» (نامه 10، ص 349، پ 3).

روش‌های بر گرفته از این اصل عبارت‌اند از:

1-4-1. اهتمام به زدودن شبهات گمراه کننده در همین خصوص درباره پیروان معاویه به او می‌فرماید: «در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی، به طوری که تاریکی‌ها آنان را فراگرفت، در امواج انواع شبهات غوطه‌ور شدند و از راه حق، به بیراهه افتادند» (نامه 32، ص 383). اما امام علی علیه‌السلام برای زدودن شبهه‌ها به مالک می‌فرماید: «اموری که برای تو شبهه‌ناکند به خدا و رسول خدا بازگردان. . . باز گرداندن چیزی به خدا، یعنی عمل کردن به قرآن، و باز گرداندن به پیامبر صلی‌الله و علیه و آله یعنی عمل کردن به سنت او» (نامه 53، ص 411، پ 4).

4-1-2. پرهیز دادن از مصاحبت با بدان

این غیر، طبیعت، دیگران و به طور کلی محیط پیرامون است. اما آن‌چه در این میان از همه مهم‌تر است ارتباط انسان با افراد دیگر و پیوند های آدمیان با هویت جمعی است. منظور این است که جمع یا به‌طور کلی محیط بر انسان باید آن را تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی تلقی کرد. به این ترتیب فرازهای مختلف زمانی و موقعیت‌های مختلف مکانی می‌توانند منشأ آثار متفاوتی بر انسان باشند و گاه زندگی انسان را کاملاً تغییر می‌دهند.

امام علی علیه‌السلام به این نکته به خوبی واقف بوده‌اند و با آگاهی از تاثیر عوامل بیرونی و محیطی بر مردم و کارگزاران حکومت، در هر فرصت مناسبی درباره آن آگاهی داده و خواستار توجه کارگزاران و مردم به این مهم بوده‌اند. امام چنان از تأثیر محیط بر آدمی سخن می‌گوید که گویی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رفتار و کردار آدمی است. ایشان در حکمت زیبا و عمیقی فرموده‌اند: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی بر دیگری گمان بد برد؛ در حالی که او عمل زشتی آشکار نشده باشد، ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود؛ و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده است» (حکمت 114، صص 66-465). مسلم است که چون آدمی تا این حد تحت تاثیر محیط خود قرار دارد، برای تربیت وی باید محیط را آماده و مهیا کرد، زیرا با آماده شدن محیط عملی کردن تربیت به مراتب سهل‌تر و آسان‌تر خواهد شد.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبانی تربیت سیاسی دارای دو اصل: اصلاح شرایط و ایجاد زمینه.

4-1-1. اصل اصلاح شرایط

این اصل بیانگر آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید شرایط محیطی او را دست‌کاری کرد. تغییر روابط آدمی با دست‌کاری شرایط زمانی و مکانی و خاصه شرایط اجتماعی،

ارزنده ای برای ایجاد زمینه و به وجود آوردن امکان تعالی در حیطه‌های مختلف به مردم و کارگزاران ارائه کرده اند. به عنوان مثال امام علیه‌السلام برای ایجاد شوق به دانستن در مردم فرموده اند: «مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی‌دانند» (حکمت 172، ص 475). یا در مورد به وجود آوردن میل به مشورت در مردم می‌فرماید: «آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد» (حکمت 173، ص 475). و نمونه‌های بسیار زیادی از این دست با دقت در این نمونه‌ها مشخص می‌شود که در این باب امام علی علیه‌السلام ابتدا مسئله را روشن و سپس مزایای ایجاد زمینه مناسب را بیان می‌کنند تا مربی برای ایجاد زمینه مزبور ترغیب شود.

روش‌ها عبارتند از:

1-2-4. به وجود آوردن بستر فکری مناسب برای انجام دادن هر عمل اجرای هر برنامه و سیاستی در جامعه به شرطی موفق خواهد بود که بستر فکری مناسب آن از قبل آماده شده باشد. خطبه‌های امام علیه‌السلام و روشنگری‌های ایشان برای مردم قبل از هر اقدام مهمی، از جمله جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، گویای توجه امام به این مسأله بوده است.

2-2-4. پرهیز از غفلت در عمل کردن در زمان مناسب از اصول مسلم مدیریت صحیح که نشانه تدبیر فرد است عملی کردن به موقع تصمیماتی است که در تمام امور می‌تواند راهگشا باشد. امام در اشاره به همین مسئله می‌فرماید: «حال که زنده و برقرارید، پس عمل نیکو انجام بدهید، زیرا پرونده‌ها گشوده و راه توبه آماده است و خدا فراریان را می‌خواند».

3-2-4. تأکید به همت در انجام دادن عمل همت والا از مهم‌ترین خصوصیات یک زمامدار موحد و اصلی‌ترین وسیله و ضرورت اجرای کارهای بزرگ برای کشور و امت است. امام علیه‌السلام در ارزش این خصوصیت فرموده اند: «ارزش مرد به اندازه همت اوست» (حکمت 47، ص 453).

امام علی علیه‌السلام کارگزاران و مردم را از همنشینی با بدان برحذر می‌دارد و در این مورد به حارث همدانی در خصوص اخلاق کارگزاری می‌نویسد: «از دوستی با بی‌خردان و خلافکاران پرهیز، زیرا هرکس را به دوستش می‌شناسند» (نامه 69، ص 435، پ 4).

3-1-4 توصیه به همنشینی با نیکان

امام علی علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «تا می‌توانی به پرهیزگاران و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نسازند» (نامه 53، ص 407).

4-1-4. قرار نگرفتن در مواضع تهمت

حساسیت جایگاه زمامداری مردم باعث می‌شود که تمامی اعمال و حرکات زمامدار زیر ذره بین نکته‌سنجان قرار بگیرد، از این رو، و برای حفظ شأن و جایگاه رهبری در میان امت، زمامدار باید از مواضع تهمت دوری کند. امام علی علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند» (حکمت 159، ص 475).

2-4. اصل ایجاد زمینه

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت‌ها می‌روید و از آن‌ها ارتزاق می‌کند، از این رو شرایط و موقعیت‌های مختلف بالقوه حامل عوامل متفاوتی در شکل‌دهی به حالات و اعمال انسان هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و شرایط به منزله عامل تسهیل‌کننده‌ای است که امکان شکل‌گیری‌ها و شکل‌دهی‌های مطلوب را بالا می‌برد. در این اصل همین امکانات بالقوه مورد نظر است. طبق این اصل باید شرایطی را که تسهیل‌کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، از پیش به نحو مقتضی دگرگون کرد (باقری، 1374). امام علی علیه‌السلام به این اصل تربیتی توجه کامل داشته‌اند و در بسیاری از توصیه‌های اخلاقی و تربیتی، با نظر به همین اصل، رهنمودهای

4-2-4. مطالعه پیرامون انجام دادن عمل

«سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش و کارهایت را به بهترین آنان واگذار و نوشتن نامه‌های محرمانه‌ات را، که دربردارنده سیاست‌ها و اسرار توست، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح تر از دیگران باشد» (نامه 53، ص 413، پ 2).

4-2-5. توصیه در مورد وارد شدن به میدان عمل و نهراسیدن از آن شجاعت در انجام دادن عمل و نهراسیدن از کارهای بزرگ و دشوار از ویژگی‌های یک زمامدار اسلامی است. امام علیه‌السلام در همین خصوص می‌فرماید: «هنگامی که از چیزی می‌ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی از خود آن دشوارتر است» (حکمت 175، ص 475).

4-2-5. دل‌سرد نشدن از دشواری‌ها و سرزنش ملامت‌گران

از آن‌جا که هدف زمامداران اسلامی در زمینه خدمت به خلق و تلاش برای مردم رضای خداوند است، دل‌سرد شدن در این راه بی‌معنی است. امام علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «در راه خدا تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود از دین را به کمال برسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق، عادت پیسنیده است» (نامه 31، ص 371، پ 3).

5. مبنای اندیشه‌ورزی

یکی از ویژگی‌های عمومی انسان اندیشه‌ورزی است که وجه متمایز انسان از سایر موجودات محسوب می‌شود. از این لحاظ انسان، تلاش و پویایی در قبال معماهاست و با این معنی انسان‌ها همه متفکرند و به همین دلیل نیز مکلف به انجام دادن اموری هستند که از عهده دیگر مخلوقات بر نمی‌آید. اما بسیار پیش آمده که انسان از قوه اندیشه خود درست و به‌جا استفاده نکرده است و اگر گاه قومی به سبب عدم تفکر مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، در واقع علت آن نه عدم تفکر، بلکه عدم

تفکر معین و مفید بوده است. امام علی علیه‌السلام درخصوص جایگاه اندیشه و تفکر در رأی و عمل، مکرر به مردم و کارگزاران خود توصیه فرموده‌اند و خواستار به‌کارگرفتن این مبنای وجودی در جهت انس با خدا شده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «پس آدمی باید اندرزها را بپذیرد و پیش از رسیدن رستاخیز، پرهیزکار باشد و در مورد کوتاهی روزگارش اندیشه کند و به ماندن کوتاه در دنیا نظر دوزد تا آن را به منزلگاهی بهتر مبدل کند» (خطبه 214، ص 313، پ 3).

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای دو اصل است: تعقل و تفکر و کسب بینش.

5-1. اصل تعقل و تفکر

این اصل ناظر به ویژگی اندیشه‌ورزی در انسان است. در بحث از این ویژگی گفته شد که همه انسان‌ها درگیر اندیشه‌ورزی‌اند. به عبارت دیگر، اندیشه تکلیفی نیست و امر به تفکر، موردی ندارد. اما اگر جایی شاهد امر به تفکر باشیم، در واقع امر به نوع معینی از تفکر مورد نظر است. هرگاه تفکر و تعقل به نحو مترادف به کار روند، مقصود همین تفکری است که هدفی خاص آن را هدایت می‌کند. در سیره امام علی علیه‌السلام نیز امر به تفکر به همین معنا و درخصوص مواردی به کار رفته است که موجب تعالی بشر می‌شود. ایشان قوه تعقل را از نعمات خداوندی در انسان دانسته‌اند و در این مورد می‌فرمایند: «سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست» (حکمت 113، ص 463).

5-1-1. توصیه به علم‌آموزی

علم‌آموزی مهم است که خود بستری مناسب برای تفکر صحیح است. زمامدار عالم، هم آگاهانه تصمیم می‌گیرد و هم آگاهانه دست به اقدام می‌زند و به این سبب اقداماتش از پشتوانه علمی برخوردار است.

جدول 4: مبنای تأثیر محیط، اصول و روش‌های مرتبط با آن

مبنا	اصول	روش‌ها
	1. اصلاح شرایط	1- اهتمام به زدودن شبهات گمراه کننده
		2- پرهیز دادن از مصاحبت با بدان
		3- توصیه به همنشینی با نیکان
		4- قرار نگرفتن در مواضع تهمت
تأثیر محیط	2. ایجاد زمینه	1- به وجود آوردن بستر فکری مناسب برای انجام دادن هر عمل
		2- پرهیز از غفلت در عمل کردن در زمان مناسب
		3- تأکید به همت در انجام دادن عمل
		4- مطالعه پیرامون انجام دادن عمل
		5- توصیه درباره وارد شدن به میدان عمل و نهراسیدن از آن
		6- دلسرده نشدن از دشواری‌ها و سرزنش ملامت گران

عینی شدن ارزش‌ها و دستیابی به شناخت امور، مخصوصاً آن‌جا که به تعالی انسان بینجامد، مسئله‌ای است که یکی از غایات تربیتی اسلام را دربرمی‌گیرد. برای به دست آوردن بینش باید ابزار آن را در هر زمینه‌ای جستجو کرد و به کار برد. در سیره امام علی علیه‌السلام بینش در مقابل غفلت‌زدگی به کار برده شده است و امام علیه‌السلام در مورد به کارگیری ابزار بینش می‌فرماید: «هرکس باید از کار خویش بهره‌گیرد، و انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگرست و آگاه شد و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره‌راهها، دوری کرد، و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، در زمینه حق سخت‌گیری کند، یا در سخن حق تحریف روا ندارد، یا در گفتن سخن راست نترسد. پس به هوش باش ای شنونده و از خواب غفلت بیدار شو، و از شتاب خود کم کن، و در آنچه از زبان پیامبر صلی‌الله و علیه و آله بر تو رسیده است اندیشه کن» (خطبه 153، ص 201، پ 2). از این سخنان امام علی علیه‌السلام کاملاً مشخص است که بینش حاصل نمی‌شود مگر با نیک بودن و نیک‌کرداری، عادل بودن و به عدالت رفتار کردن.

امام علی علیه‌السلام در خصوص ارزش والای علم‌آموزی و مقایسه آن با کسب مال و ثروت به کمیل می‌فرماید: «مردم سه دسته‌اند: دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و گروهی که مثل پشه‌های دست‌خوش باد و طوفان، همیشه سرگردانند، به دنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند؛ نه از روشنایی دانش نور گرفته‌اند، نه به پناهگاه استواری پناه دارند. ای کمیل دانش بهتر از ثروت است، زیرا علم، نگهبان توست و مال را باید تو نگهبان باشی، مال با بخشش کاستی پذیرد، اما علم با بخشش فزونی می‌گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده است با نابودی مال نابود می‌شود. ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین آیینی است که به آن پاداش داده می‌شود و انسان در دوران زندگی، با آن خدا را اطاعت می‌کند، و پس از مرگ نام نیکو به یادگار گذارد. دانش فرمانروا و مال فرمان‌بر است. ای کمیل، ثروت‌اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند، گرچه به ظاهر زنده‌اند. اما دانشمندان تا دنیا برقرار است زنده‌اند، گرچه بدن‌هاشان در زمین پنهان است، یادشان در دل‌ها همیشه زنده است» (حکمت 147، ص 471).

2-5. اصل کسب بینش

روش‌های این اصل عبارت‌اند از:

5-2-2. توصیه درخصوص توسل به اهل بیت پیامبر امام علیه‌السلام برای رسیدن به پیشش و رستگاری حاصل از آن توصیه می‌فرمایند که به اهل بیت پیامبر صلی‌الله و علیه و آله مراجعه شود. ایشان در این باره گفته‌اند: «رستگاری را از اهل آن جستجو کنید که اهل بیت پیامبر صلی‌الله و علیه و آله رمز حیات دانش، و راز مرگ جهل و نادانی هستند. آنان هستند که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان، و ظاهرشان از باطنشان، مطلع می‌کند» (خطبه 147، ص 193، پ 3).

5-2-1. توجه دادن درخصوص توسل به قرآن در سیره امام علی علیه‌السلام مهم‌ترین راه کسب پیشش توسل به قرآن ذکر شده است. امام علیه‌السلام در این باره فرموده است. «این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از آیات قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گویند و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهند. آیاتش در مورد شناساندن خدا اختلافی ندارند و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد» (خطبه 133، ص 179، پ 3).

جدول 5: اندیشه ورزی، اصول و روشهای در رابطه با آن

روش‌ها	اصول	مبنا
1. توصیه به علم‌آموزی	1. تعقل و تفکر	اندیشه‌ورزی
2. توصیه درخصوص توسل به اهل بیت پیامبر	2. کسب پیشش	

شایسته و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید، آن را خشکانید تا محکم شد. خشکانیدن را ادامه داد تا سخت شد، در زمانی معین و سرانجامی مشخص، اندام انسان کامل شد. آن‌گاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد و دارای نیروی اندیشه شد تا وی را به تلاش اندازد و دارای تفکر شد تا دیگر موجودات را تصرف کند. به انسان اعضا و جوارحی بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود که آنها را در زندگی به‌کارگیرد، قدرت تشخیص حق و باطل به او داد تا حق و باطل را بشناسد و حواس چشایی و بویایی و وسیله تشخیص رنگ‌ها و اجناس مختلف را در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون، و چیزهای همانند و سازگار و نیروهای متضاد و مزاج‌های گوناگون، گرمی و سردی و تری و خشکی قرار داد. سپس از فرشتگان خواست تا «آنچه در عهده دارند انجام دهند و به عهدی را که پذیرفته‌اند، وفا کنند. این‌گونه که بر آدم سجده کنند و او را بزرگ شمارند» (خطبه 1، ص 23، پ 3). همان‌طور

6. مبنای کرامت کرامت یعنی بزرگواری و بزرگواری، حاصل بهروری معین یک موجود است بی‌آن‌که پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود و هرگاه چنین باشد، آن را فضیلت گویند نه کرامت. خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه ای چون عقل برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره‌وری، کریم و بزرگواری داشته است. این کرامت به اصل انسان بودن باز می‌گردد و به دسته معینی از آدمیان اختصاص ندارد. از این نظر آدمیان همه از یک گوهرند، همه شریف‌اند و هیچ‌کس را بر دیگری فضیلتی نیست [26]. امام علی علیه‌السلام در خطبه اول نهج البلاغه ضمن تشریح چگونگی خلقت انسان از بزرگی و جایگاه رفیع آدمی در میان مخلوقات خداوند یاد می‌کند و بر کرامت ارزش انسان صحه می‌گذارد و می‌فرماید: «خداوند بزرگ خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت چسبناک گردید، از آن گل اندامی

را با هم بیامیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش» (نامه 19، ص 357).

روش‌های این اصل عبارت‌اند از:

1-6-1. حفظ شأن و جایگاه انسانی

امام علیه‌السلام در خصوص حفظ جایگاه انسانی می‌فرماید: «هر که بجا آورد حق کسی را که او حقش را به‌جا نمی‌آورد، او را بندگی نموده است» (حکمت 164، ص 475).

2-1-6-2. رفتار محبت‌آمیز با مردم

امام علیه‌السلام در همین مورد به مالک می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (نامه 53، ص 303، پ 4).

3-1-6-3. تأکید بر پنهان داشتن عیوب مردم

امام علیه‌السلام در این خصوص به مالک می‌فرماید: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آن‌چه را بر تو پنهان است آشکار گردانی» (نامه 53، ص 405، پ 4).

4-1-6-4. عمل به وعده

امام علی علیه‌السلام در هشدار به مالک دربارهٔ خلف وعده می‌فرماید: «مبادا آن‌چه را انجام داده‌ای بزرگ

جدول 6: مبنای کرامت، اصل و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
1. حفظ شأن و جایگاه انسانی		
2. رفتار محبت‌آمیز با مردم		
3. تأکید بر پنهان داشتن عیوب مردم	عزت	کرامت
4. عمل به وعده		

7. مبنای آزادی و اختیار

یکی دیگر از ویژگی‌های مختص انسان که به دلیل انسان بودن آدمی به وی تفویض شده است، اختیار و آزادی و قدرت انتخاب است. اهمیت این ویژگی در انسان آن‌قدر زیاد است که برخی از مکاتب آن‌را

که مشاهده می‌شود، امام علی علیه‌السلام شأن بزرگی انسان و حفظ آن را پیمان خدا با فرشتگان می‌داند، به همین دلیل بزرگی و کرامت انسان از مبانی اصلی تعلیم و تربیت اسلامی و سیرهٔ امام علی علیه‌السلام است. از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل عزت است.

1-6-1. اصل عزت

اصل عزت ناظر به ویژگی مبنای کرامت است و مقصود از این اصل آن است که انسان را باید کریم و عزیز داشت و مایه‌های عزت او را فراهم آورد و باید از هر عملی که عزت و شرافت انسانی را لکه‌دار می‌کند احتراز شود. در سیرهٔ امام علی علیه‌السلام، مکرر اصرار آن حضرت به کارگزاران برای حفظ عزت مسلمانان و حتی غیرمسلمانانی که در پناه اسلام هستند، وجود دارد. امام علی در این خصوص به عمر بن ابی‌سلمه ارحبی زمام‌دار فارس می‌نویسد: «همان‌سا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من در بارهٔ آن‌ها اندیشه کردم، آنان را نه شایسته نزدیک شدن یافتم زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری زیرا که با ما هم‌پیمانند، پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی

بشماری، یا مردم را وعده‌ای دهی و سپس خلف وعده کنی! ... خلاف وعده عمل کردن خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزد و خدای بزرگ فرمود: دشمنی بزرگ با خدا آن است که بگویند و عمل نکنند» (نامه 53، ص 419).

رفتارشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده است می پوشانند و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند، در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است. . . در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده اند تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پرسود که پرودگارشان فراهم کرده است، و دنیا می خواست آن‌ها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می خواست آن‌ها را اسیر خود گرداند اما با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند (خطبه 193، ص 287).

1-7-1. انجام دادن صالحات

امام علی علیه‌السلام در موارد متعدد انجام دادن اعمال صالح را به مردم و زمامداران توصیه کرده‌اند و در این خصوص سفارشات متعدد و مؤکدی دارند، از جمله به مالک اشتر توصیه می‌فرمایند: «نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن، اگرچه همه اوقات برای خداست اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشند. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی عملی کردن واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده و آنچه تو را به خدا نزدیک می کند، بی عیب و نقصانی انجام ده، اگرچه دچار خستگی جسمی شوی» (نامه 53، ص 417، پ 1).

1-7-2. تأکید بر حساب‌کشی از خود

حساب‌کشی از خود باعث می‌شود که زمامدار همواره در روابط خویش با مردم، اعمالش را در ترازوی نقد قرار دهد و عامل مهمی برای جلوگیری از بیراهه رفتن زمامدار است امام علیه‌السلام در این خصوص به مردم و کارگزاران می‌فرمایند: «بندگان خدا، خود را بسنجید قبل از آن‌که مورد سنجش قرار بگیرید. پیش از آن‌که حسابتان را برسند حساب خود را برسید» (خطبه 90، ص 109، پ 3).

بزرگ‌ترین وجه تمایز انسان و سایر جانداران دانسته‌اند. البته در منطق اسلامی انسان به هیچ وجه آزادی مطلق ندارد و گزینش انسان همانند خداوند بی‌انتهاست، بلکه وی در دایره‌ای خاص و محدود می‌تواند دست به انتخاب و گزینش بزند، معذک یکی از مبانی اصلی تربیت، همین آزادی و اختیار انسان است. امام علی علیه‌السلام درباره نفی جبرگرایی در پاسخ یک مرد شامی می‌فرماید: «وای بر تو! شاید قضا و قدر حتمی را گمان کرده‌ای؟ اگر چنین بود، پاداش و کیفر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود. خداوند سبحان بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند و نهی فرمود تا بترسند، احکام آسانی را واجب کرد و چیز دشواری را تکلیف نفرمود و پاداش اعمال اندک را فراوان قرار داد و ...» (حکمت 78، ص 455). ملاحظه می‌شود که امام علیه‌السلام اختیار انسان را به صراحت اعلام می‌دارد. اما نکته‌ای که ممکن است در این مورد مطرح شود، مسئله چگونگی امکان جمع این اصل با اصل بندگی و عبودیت است. در پاسخ باید اشاره شود که اصل بندگی و عبودیت خداوند متعال شرط لازم آزادی انسان از هر قید و بندی به جز عبودیت خداوند است. و اصل آزادی بیانگر آن است که انسان با اختیار به بندگی خداوند متعال گردن می‌نهد.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل تشبیه به ابرار است.

1-7-1. اصل تشبیه به ابرار

نیکو شدن و تشبیه به ابرار یعنی پرهیزکار شدن و قرب الهی با خواست انسان میسر است. این اصل نشان می‌دهد که هر انسانی با اختیار خود می‌تواند یکی از ابرار شود. اعمال و رفتاری که امام علیه‌السلام برای پرهیزکاران و ابرار معرفی می‌کنند، همگی کارهایی است که با آزادی و اختیار عملی شده یا می‌شوند. امام علیه‌السلام در خطبه همام در خصوص پرهیزکاران می‌فرماید: «پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی و راه

8. مبنای ضعف

در جهان طبیعت، جانوران به اعضا و اندام‌هایی مجهزند که وظایف معینی دارند و به وسیله آن‌ها با محیط سازگار می‌شوند و امورات خود را می‌گذرانند. اما اندام انسان از دیگران جانوران ضعیف‌تر است، لذا از این جنبه، آن‌ها بر انسان برتری دارند و قدرت سازگاری انسان از نظر بدنی از آن‌ها کم‌تر است، همین ناتوانی بدنی، زمینه‌ای برای رشد و تعالی شده است. آدمی چون در مقایسه با حیوان، ناتوان و شکننده است، می‌تواند با تربیت در راه تحول روحی و معنوی گام بگذارد و تا حدی پیش‌بینی نشده پیش برود. به عبارت دیگر، آنچه مبنای ضعف انسان تلقی می‌شود فقط بعد جسمانی است نه در ابعاد روحی و معنوی او. اما همین ضعف ابعاد جسمانی چون از خصوصیات ذاتی انسان است و محدودیت‌هایی برای او ایجاد می‌کند، به عنوان یکی از مبنای تربیت مورد توجه قرار گرفته است.

از منظر امام علی علیه‌السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل تساهل است.

1-8. اصل تساهل

این اصل که از مبنای ضعف سرچشمه می‌گیرد، بیان می‌دارد که باید در رفتار با انسان آسان‌گیری بود. امام علی علیه‌السلام ضمن توجه به این مسئله، به کارگزاران توصیه می‌فرماید که نسبت به مردم سخت‌گیری نکنند، از جمله به مالک می‌فرماید: «پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی یا خشک شدن

آب چشمه‌ها، یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا اموراتشان سامان گیرد (نامه 53، ص 413، پ 1).

1-1-8. سهولت در محول کردن تکلیف

تکلیف سنگین و خارج از توان مکلف می‌تواند به بیزاری او از انجام دادن تکلیف بینجامد. مالیات‌های سنگین، وضع قوانین سخت‌گیرانه و ... همگی از مواردی هستند که می‌توانند به نارضایتی مردم از دستگاه حکومتی بینجامد به همین دلیل باید از محول کردن تکالیف بسیار دشوار پرهیز کرد. امام علی علیه‌السلام به این موضوع توجه داشته‌اند و در این مورد فرموده‌اند: «خداوند سبحان .. احکام آسانی را واجب کرد و چیز دشواری را تکلیف نفرمود» (حکمت 78، ص 455).

2-1-8. توصیه به تغافل

گذر از خطاهای کوچک، از یک سو امید اصلاح را زنده نگه می‌دارد و از سوی دیگر راه بازگشت را هموار کند. توجه و عنایت به همین مسئله می‌تواند به تحکیم پایه‌های حکومت بینجامد. گذر از خطاهای کوچک مردم امر پسندیده‌ای است و امام در مورد آن می‌فرماید: «از بهترین کارهای زمام‌دار کریم و بزرگوار، چشم پوشیدن او است از آنچه می‌داند» (حکمت 222، ص 483).

جدول 7: مبنای آزادی و اختیار، اصل و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
1. انجام صالحات	تشبه به ابرار	آزادی و اختیار
2. تأکید بر حساب‌کشی از خود		

جدول 8: مبنای ضعف، اصول و روش‌های مربوط به آن

روش‌ها	اصل	مبنا
1. سهولت در محول کردن تکلیف	تساهل	ضعف
2. توصیه به تغافل		
3. ملایمت و مدارا		
4. توصیه به داشتن سعه صدر و بخشش		

8-3-1. ملایمت و مدارا

امام علی علیه السلام ملایمت و مدارا را حتی در مورد دشمنان تجویز می فرمودند. ایشان در جنگ صفین به لشکریان خود فرموده اند: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آن‌ها شروع کنند، زیرا بحمدالله حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان. تا آن که دشمن به جنگ روی آورد. حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده است، نکشید به آن که قدرت دفاع ندارد، آسیب نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما بریزند یا امیران شما را دشنام دهند زیرا که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند» (نامه 14، ص 353).

8-4-1. سعه صدر و بخشش

امام علیه السلام در این زمینه به مالک می فرمایند: «اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشی و بر آنان آسان گیر» (نامه 53، ص 409). در ادامه همین نامه، امام علیه السلام در خصوص انتخاب قاضی به مالک می فرمایند: «از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان آنان را به ستوه نیاورد و بر خورد مخالفان با یکدیگر آنان را خشمگین نسازد» (همان، ص 411، پ 2).

9. مبنای جاذبه احسان

جاذبه احسان باعث سرور و رغبت در آدمی می شود و از مهم ترین عوامل ایجاد ارتباط میان آدمهاست. خداوند متعال، خود بزرگترین محسن است، امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید: «آگاه باشید زمینی که شما را بر پشت خود می برد، و آسمانی که بر شما سایه می گستراند، فرمان بردار پروردگارند و برکت

آن دو به شما نه از روی دلسوزی است، نه برای نزدیک شدن به شما، و نه به امید خیری که از شما دارند، بلکه آن دو مأمور رسانیدن منافع شما بوده و ...» (خطبه 143، ص 187، پ 1).

از منظر امام علی علیه السلام این مبنای تربیت سیاسی دارای اصل فضل است.

9-1. اصل فضل

در این اصل، جاذبه احسان یک ویژگی بنیادی تلقی شده است. این ویژگی بیانگر تأثیر نیکی و احسان بر انسان و حتی قدرت آن در مهار زدن به بدکرداری او است.

فضل رابطه ای مبتنی بر عدم موازنه است و این عدم موازنه از عدل، فراتر می رود. اصل فصل حاکی از آن است که در رابطه تربیتی باید عدم موازنه را الگو قرار داد. خداوند خود در مقام تربیت انسان به وفور با او به فضل رفتار می کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است [26].

فضل زمامدار در برابر مردم- تا آن جا که اصول و مبانی دین در خطر نباشد- باعث نزدیکی مردم و حکومت می شود.

9-1-1. نیکی به مردم

امام علیه السلام در این خصوص به مالک اشتر می فرمایند: «بدان ای مالک هیچ وسیله ای برای حلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکی به مردم، و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست.» (نامه 53، ص 407، پ 5)

9-1-2. سفارش به نیکی در مقابل بدی (به همکیشان)

امام علیه السلام در این باره به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی بر قرار کن. اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن، و چون

جدول 9: مبنای جاذبه احسان، اصل و روش‌های مربوط به آن

مبنا	اصل	روش‌ها
جاذبه احسان	فضل	1. نیکی به مردم 2. سفارش به نیکی در مقابل بدی (به همکیشان)

در تمامی این کارکردها یکی است، تعجیبی ندارد اگر از نظر امام علی علیه‌السلام مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی یا تربیت اخلاقی شبیه یکدیگر باشد. کما این که مقایسه نتیجه این پژوهش با پژوهش «تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه» [21] و مشابهت روش‌های تربیتی در دو زمینه مؤید همین نظر است [22]. در مقاله «تربیت اخلاقی - سیاسی مدیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام»، اصول و روش‌هایی را در مورد تربیت اخلاقی مدیران از منظر امام علی علیه‌السلام مطرح کرده است که در این پژوهش و پژوهش محمدی برای تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی مطرح شده‌اند. به این ترتیب سخن به گزاف نخواهد بود اگر این نتیجه‌گیری شود که هدف تقسیم کارکردهای تعلیم و تربیت در تربیت اسلامی فقط تکیه بیش‌تر بر یک کارکرد خاص بوده است و مرز مشخصی بین این کارکردها وجود ندارد.

3. سوگیری مبانی، اصول و روش‌های تدوین شده در این پژوهش تحقق هدف غایی تربیت اسلامی، یعنی پرورش عبد صالح است. با دقت در این مبانی، اصول و روش‌ها روشن می‌شود که همگی - چه آنها که به ظاهر سبقه دنیوی دارند، نظیر سامان بخشی وضعیت اقتصادی یا مردم سالاری و چه آنها که مستقیماً به تحکیم مبانی دینی می‌پردازند، به سوی همین هدف پیش می‌روند. لذا دارای نظم و هماهنگی درونی هستند، هیچ‌یک از اعضای آن در تقابل بایکدیگر قرار ندارند و همگی برای رسانیدن انسان به کمال عمل می‌کنند.

پیشنهادات

بخل ورزد، تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر» (نامه 31، ص 381، پ 3).

بحث و نتیجه گیری

دقت در آنچه به عنوان مبانی، اصول و روش‌های تربیت در این پژوهش تدوین شده است، توجه به چند نکته اساسی را ضروری می‌کند.

1. همان‌طور که قبلاً هم تاکید شد، غایت تربیت در اسلام پرورش عبد صالح برای قرب الهی است و طبعاً هدف غایی تربیت سیاسی هم چیزی جز این نمی‌تواند باشد. بنابراین، مبانی، اصول و روش‌های این کار هم باید با محتوی و هدف تربیت مطابقت داشته باشد. در واقع همان اندازه که هدف در تعلیم و تربیت اسلامی مقدس است، روش‌های رسیدن به هدف نیز از تقدس برخوردار است. در تربیت اسلامی مبانی، اصول و روش‌ها از محتوا و اهداف جدا نیستند، بلکه چون در همه آنها سمت گیری الهی مطرح است ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. به همین دلیل گاه اهداف جزئی برای رسیدن به غایت، در کسوت روش هم نمایان می‌شود و بالعکس. از همین روی است که به عنوان مثال «عدالت» در سیره امام علی علیه‌السلام هم هدف حکومت است و هم شیوه تربیت برای رسیدن به کمال.

2. تربیت سیاسی یکی از کارکردهای تربیت است. اما باید توجه داشت که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تمامی کارکردهای تعلیم و تربیت متوجه یک هدف خاص هستند و آن تعالی و کمال انسان است. مبانی، اصول و حتی روش‌های نظری تربیت، در تمام کارکردهای تربیت اسلامی یکسان هستند - چون هدف

تسهیل فرآیند یادگیری برای دانش‌آموزان، راهی برای تحقق انسانیت حقیقی دانش‌آموزان به معنای انسان اسلامی باشد.

3. مریبان و معلمان می‌توانند با الگو قرار دادن سیره ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان برترین مریبان عالم، نقش کلیدی خود را در تعلیم و تربیت به نحو احسن ایفاء کنند.

4. برنامه‌ریزان تربیتی سطوح مختلف با عنایت به نتایج پژوهش، لازم است به مبانی نه‌گانه و اصول مطرح در هریک از آنها و روش‌های تربیتی مطرح شده، توجه کنند و با عنایت به آموزه‌های تربیتی مکتب امام علی علیه‌السلام زمینه‌های مناسبی برای تربیت دانش‌آموزان فراهم آورند.

5. فهرست روش‌های تربیتی تدوین شده برای هر یک از اصول تنها شمه‌ای از طیف وسیع روش‌های تربیتی موجود در متن سیره امام علی علیه‌السلام است که در این جا به عنوان نمونه ذکر شده و به‌خصوص در بحث از روش‌های تربیتی، هم‌چنان زمینه برای بررسی و تعمق بیش‌تر در متون مذکور فراهم است.

1. مشخص است که گرچه مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی که در این پژوهش به آنها اشاره شد، برگرفته از عملکرد امام علی علیه‌السلام در حکومت و شرایط آن روز جامعه اسلامی است، اما به‌دلیل جامعیت و اصالت آنها، و این‌که ریشه در وحی دارند، امروزه نیز در کشور ما می‌توانند برای ایجاد ساختاری قوی و نظام‌مند در تعلیم و تربیت، به‌خصوص در زمینه تربیت کارگزاران شایسته و ایجاد حس مشارکت در مردم و مسئولیت‌پذیری آنان در برابر وضعیت سیاسی و اجتماعی بسیار مؤثر و راهگشا باشند. لذا توجه بیش از پیش مسئولان به این مسئله را خواستاریم.

2. نتایج پژوهش، تبیین نظری مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی از منظر پیشوای اول شیعیان است. بدیهی است که استفاده از نتایج این پژوهش و پژوهش‌هایی مشابه در تعلیم و تربیت کشور مستلزم آن است که دست اندرکاران و برنامه‌ریزان با آگاهی از آنها، به‌تدریج و با راهبرد و برنامه‌های مناسب آموزشی و درسی همسو با فعالیت‌های آموزشی را چنان برنامه‌ریزی کنند که ضمن

منابع

1. مرزوقی، رحمت‌الله (1379) تربیت سیاسی درآموزش و پرورش جمهوری اسلامی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس. صص 95-10.
2. فریره، پائولو (1385) آموزش ستمدیدگان، ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
3. مایر، فردریک (1374) تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه فیاض، تهران، انتشارات سمت، صص 258.
4. برزنیکا، ولفگانگ (1371) نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه محور آفاق بایوردی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص 43.
5. دورکیم، امیل (1376) تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، صص 9.
6. ریتز، جورج (1374) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، صص 136.
7. بشیریه، حسین (1374) جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ اول، تهران، نشر نی، صص 86.
8. Silberman. C. E. (1971), Crisis in the classroom :the rcmaking of American education, Random House INC. USA, p 28.
9. Goodman. P. (1975),Compulsory Education,Penguin Education. Penguin Book Ltd. p. 23.
10. Harris. K. (1995),Education for citizenship ,critical conversation in philosophy of education ,wendy kohil(ed). new york- London. pp. 219-221.
11. باقری، خسرو (1375) تعلیم و تربیت از منظر پست مدرنیسم، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره 1-4، صص 75.
12. Scurati. C (1998). Education to Social Civic and Political values in the Italian pedagogical thought ,Paper presented at the international conference on the development of civic responsibility among youth. Urbino,Italy.
13. کارنوی، مارتین (1365) تعلیم و تربیت در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه حسن پاشا شریفی، تهران. صص 69-44.

24. احسانی، محمد (1384) تربیت سیاسی کارگزاران در مدرسه امام علی (ع)، نشریه معرفت شماره 39.
25. Othman , Abdulaziz(2000), Political Education In I slam , Moslem Education.
26. باقری، خسرو (1380) نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مدرسه.
14. استیونسون، لسللی (1368) هفت نظریه در باره طبیعت انسان، ترجمه بهرام محسن پور، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
15. Morgan. W J(1989). Classical Marxism and education of works :Class and Party : International Journal of univ. Adult education ,vol 28. pp. 45-58.
16. Dewey. J (1960),Democracy & Education,New york :Macmillan Company.
17. Ryba. R (1997),Education ,Democracy and Development :An International Perspective. Kluwer academic publisher,prodecht,Boston and London.
18. آرم، آنتونی و مارتین لیسیت (1376) جامعه شناسی سیاسی، ترجمه احمد پیشه‌ور، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، صص 247-248
19. Slattery, P (1995) Curriculum development in the Postmodern Era. Garland Publishing. INC. New york and London.
20. مزینانی، محمد صادق، روش‌های تربیت سیاسی کارگزاران از منظر امام علی(ع)، نشریه حکومت اسلامی، شماره 22، ص 3.
21. محمدی، مه‌ری (1379) بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه تربیت مدرس. صص 98-73.
22. رهنما، اکبر (1382) تربیت سیاسی - اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی(ع)، همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.
23. رحمانی، جعفر (1382) پرورش نیروی انسانی، همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد.